

مقدمه

حضرت بقیة الله علیه السلام امام حاضر، ولی زمان، روح زندگی، کیمیای هستی، چشمه‌ی حیات و کشتی نجات در روزگار ماست. شب‌ها و روزها می‌گذرند، سال‌ها از پی یک‌دیگر می‌آیند، عمرها به پایان می‌رسد، نسل‌ها و قرن‌ها یکی پس از دیگری می‌آیند و می‌روند و جماعت انسان‌ها در غفلتی سخت کشنده از این چشمه‌ی حیات که شناخت او و حرکت در مسیر محبت و معرفتش، تنها راه وصول به سعادت مطلق است، روزگار می‌گذرانند و همین غفلت و بی‌توجهی نسبت به این «بزرگ‌ترین نعمت الهی» سرمنشأ تمام ظلم‌ها، گرفتاری‌ها، نابسامانی‌ها و مشکلات فرا روی جامعه‌ی بشری است به راستی غفلت تا کی؟! سوختن و ساختن تا چه وقت؟! آیا خداوند رؤوف و مهربان راه‌گشایش و آسایش را به ما نشان نداده است؟ آیا راه آشتی با خداوند - تعالی - و حجّت او بسته است... مسلماً چنین نیست.

مؤلف این اثر نیز که هم چون بسیاری از مردم این روزگار، سال‌های متمادی از عمر گران‌مایه‌ی خویش را در غفلت و بی‌خبری از ولی نعمت خویش سپری نموده است این نوشتار را به قصد آشتی با امام عصر علیه السلام، توبه از گذشته‌های آکنده از غفلت و نیز به منظور جلب توجهات و عنایات آن امام مظلوم و غریب به رشته‌ی تحریر درآورده است. بدان امید که:

تذکری برای مؤمنان،
 قوت قلبی برای منتظران،
 روشنی چشمی برای عاشقان،
 هشدار برای غافلان
 و اتمام حجتی برای همگان باشد.

قم حرم کریمه‌ی اهل بیت علیهم السلام
 جمادی الاولی ۱۴۲۷ هـ ق
 دکتر علی هراتیان

آغاز کلام

ای حجّت یزدان و ای امیر دوران!

ای موعود انبیا و منجی انسان‌ها!

ای ذخیره‌ی خدا در زمین!

ای مهربان‌ترین...

ای کاش اهل عالم می‌دانستند که با آمدنت، چه سعادت‌ی به آنان روی خواهد آورد که نه چشمی آن را دیده و نه گوشی آن را شنیده.^۱

ای کاش مسیحیان جهان می‌دانستند که مسیح علیه السلام خود دل‌داده‌ی توست و برای ظهورت لحظه‌شماری می‌کند تا از آسمان فرود آید؛ در نماز به تو اقتدا نماید و پیروان خویش را به تبعیت از تو فرا خواند که اگر عیسی علیه السلام بنا به ضرورت و برای اتمام حجّت، مرده‌ای را زنده می‌کرد؛ تو ای مقتدای مسیح علیه السلام، زمین و زمان، انسان و جهان و اسلام و قرآن را زنده خواهی کرد.

«السلام علیک یا امام المسیح.»^۲

۱- ما رأت عین و لا اذن سمعت.

۲- صحیفه مهدیه: ۵۸۲. (زیارت حضرت بقیة الله ۷ که در مشکلات و

سختی‌ها خوانده می‌شود).

ای کاش کلیمیان جهان می دانستند که نه تنها ید بیضا، عصا و سنگ موسی علیه السلام، الواح تورات و انگشتر سلیمان که تمام مواردی که در انبیا در نزد توست و همان خضر علیه السلام که حضرت موسی علیه السلام مصاحبت با وی را تاب نیاورد و این گونه مخاطب وی قرار گرفت که:

﴿ هذا فراق بینی و بینک ﴾^۱

چرا که:

﴿ ما لم تستطع علیه صبرا ﴾^۲

در مقابل تو دست ادب بر سینه می نهد، به خدمتگذاری و همنشینی ات افتخار می کند و لحظه ای فراق و دوری ات را بر نمی تابد.^۳
موسی علیه السلام منجی بنی اسرائیل بود، تو منجی عالم بشریتی.

۱- کهف (۱۸): ۷۸. ۲- همان.

۳- امام صادق علیه السلام فرمودند: «لو كنت بين موسى و الخضر لآخبرتهما انی اعلم منهما و لأنبأتهما بما ليس فی ایدیهما... اگر با موسی و خضر علیه السلام بودم به آن‌ها خبر می دادم که من از آن‌ها داناترم و چیزی را که نزد آن‌ها نبود به آنان گزارش می دادم؛ زیرا به موسی و خضر علیه السلام علم آن چه گذشته و واقع شده عطا شده بود ولی آن چه تا روز قیامت واقع می شود عطا نشده بود. لیکن ما از راه و راست آن علم را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دست آورده ایم.» اصول کافی ۱: ۳۸۸، ح ۱ (کتاب الحجّة، باب ان الائمه يعلمون علم ما کان...)

و امام عصر علیه السلام به مؤمنی که آن حضرت را دیده ولی نشناخته بود و از ایشان سؤال کرد گمان می کنم شما خضر باشید؛ فرمودند: «والله انی لمن الخضر مفتقر الی رؤیته... به خدا قسم من آن کسی هستم که خضر محتاج دیدن اوست.» اقبال الاعمال سیّد بن طاووس: ۴۶۵.

موسی علیه السلام با یک فرعون درافتاد تو همهی طاغوت‌های عالم هزاران فرعون را به جای خویش نشانده و فرعونیت را ریشه کن خواهی کرد. ای کاش پیروان زرتشت، این معنا را در می‌یافتند که «پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک» تنها و تنها در دوران طلایی ظهور توست که مجال بروز خواهد یافت.

تو را «یوسف زهرا» صدا می‌زنند و به یوسف تشبیه می‌کنند؛ اگر چه: بالای تخت یوسف کنعان نوشته‌اند

هر یوسفی که یوسف زهرا نمی‌شود

هر گاه تو را با این لقب یاد می‌کنند ناخودآگاه آیه‌ای از قرآن کریم برایم تداعی می‌شود. آن‌گاه که برادران خطاکار یوسف به محضر او شرفیاب شدند، یوسف علیه السلام آن‌ها را با این بیان مخاطب قرار داد که

﴿هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَ اٰخِيهِ﴾

هیچ می‌دانید با یوسف و برادرش چه کردید؟ بلافاصله بانویی قد خمیده در برابرم مجسم می‌شود که مرا و یکایک شیعیان و مردم جهان را مورد خطاب و عتاب قرار می‌دهد که «هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ»؟ هیچ می‌دانید با یوسف من چه کردید؟ هیچ می‌دانید در این ۱۱۷۱ سال که از شروع غیبتش می‌گذرد بر مهدی من چه گذشته است؟ از اشک‌های غریبانه‌اش باخبرید؟ از غصه‌ها و قلب پر از خونش چه می‌دانید؟ برای خلاصی او از زندان غیبتش چه کردید؟ چرا برای رهایی او از غربت و غیبت و مظلومیت دعا نمی‌کنید؟ بدانید:

دلی شکسته‌تر از من در آن زمانه نبود

در این زمانه دل فرزند من شکسته‌تر است^۱

ای کاش مسلمانان جهان، این کلام الاهی را در کتاب آسمانی خویش

باور می‌کردند که

﴿بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين﴾^۲

ای کاش صدها میلیون مسلمانی که هر روز و بارها در نمازهای

روزانه‌ی خویش «اهدنا الصراط المستقیم» می‌گویند؛ از پیامبر مهربان

خویش در حجة الوداع می‌شنیدند و می‌پذیرفتند که در این عصر و زمانه،

تنها راه رهایی و یگانه راه رستگاری یعنی صراط مستقیم، تو هستی.^۳

تو فصل مشترک میان تمام ادیان و مکاتبی؛ اما افسوس که در میان

شیعیان، هنوز زبان مشترک و عزم راسخی برای دم زدن از تو دیده

نمی‌شود. ای کاش لحظاتی با خویش‌تَن خلوت می‌کردیم و از خود

می‌پرسیدیم: آیا به راستی خداوند حکیم، این ولی معصوم و مظلوم

خویش را برای این آفریده است که قرن‌های متمادی در پس پرده‌ی غیبت

۱- شیفتگان حضرت مهدی ۱۷: ۱۶۰. (فرمایش حضرت زهرا^۳ در عالم رؤیا

به مرحوم علامه میرجهانی)

۲- بازمانده‌ی خدا «حضرت مهدی ۷» برای شما بهتر است اگر مؤمن هستید.

هود: ۸۶ (طبق روایات فراوان، نخستین آیه‌ای که آن حضرت پس از ظهور و در

حالی که به دیوار کعبه تکیه فرموده‌اند بر زبان جاری می‌کنند همین آیه است.)

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه‌ی غدیر فرمودند: «... ای مردمان! صراط

مستقیم خداوند منم که شما را به پیروی از آن امر فرموده و پس از من علی است

و آن گاه فرزندانم از نسل او...» تفسیر برهان ۱: ۴۷.

بماند و بشر هم در ظلمت و بدبختی دست و پا بزند؟

ای کاش لااقل شیعیانت ذرّه‌ای از غربت و مظلومیت تو را درک می‌کردند و با رفتار و گفتار خویش، نمک بر زخم‌های دلت نمی‌پاشیدند. کاش به دنبال پاسخی برای این سؤال می‌گشتیم که آیا غیبت ولیّ خدا، سرنوشت محتوم و تقدیرناپذیر الهی است و یا این ما هستیم که تاکنون او را نخواستیم و ظهورش را طالب نبوده‌ایم؟

کاش متوجّه می‌شدیم که فرمول ظهور، سخت و پیچیده نیست و این آگاهی، بیداری، درخواست و دعای ماست که ظهور را پیش از موعد مقدّر رقم خواهد زد و غفلت و خواب آلودگی ما از جمله علل اساسی در تأخیر ظهور حجت خداست. ای کاش می‌دانستیم در دعا برای ظهورت چه اسراری نهفته است و چه برکات و آثاری بر آن مترتب است؟

اگر پیام هایت را جدّی گرفته بودیم، اگر از این غفلتی که ریشه در دوازده قرن دوران غیبت دارد فاصله می‌گرفتیم، اگر همه با هم یک دل و یکپارچه از درگاه حضرت حق، ظهور نورانیات را خواستار می‌شدیم، اگر آماده‌ی پذیرش و تحمّل شما و اطاعت از اوامرت می‌شدیم تا حال ظهور صورت نپذیرفته بود؟

اول مظلوم عالم شکایت خویش از مردم روزگارش را به نخلستان می‌برد و درد دل با چاه می‌گفت. ای کاش می‌دانستم در کدام نخلستان سر بر کدامین چاه غربت، از بی‌وفایی و غفلت ما شکوه می‌کنی؟ نمی‌دانم چه شکوهی در ظهورت نهفته است و تو چه عظمتی داری که امیر مؤمنان علیه السلام، آن عدل مجسم آرزوی برپایی دولت تو و شوق دیدن

حکومت را بر دل دارد؟

و یا شوقاه الی رؤیتهم فی حال ظهور دولتهم

وہ! چه قدر مشتاقم که آن‌ها در زمان تشکیل دولتشان ببینم!^۱
 تو که هستی که سیدة النساء علیها السلام در میان دود و آتش تو را صدا می‌زند و
 با خون سینه‌اش نام تو را بر دیوار خانه‌ی وحی می‌نگارد و «وَلَدَى مَهْدَى»
 می‌گوید؟

ای کاش عزا داران، سینه‌زنان و گریه‌کنان بر سالار شهیدان می‌دانستند
 که هم‌اینک حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام تعزیه‌دار غربت و سوگوار
 مظلومیّت توست تا آن‌جا که می‌فرماید:

مهدی مادر عصر خودش مظلوم است.^۲

تا تأکیدی باشد بر این فرمایش شما بر آن منتظر عاشق که:

من مظلوم‌ترین فرد عالم‌ام.^۳

اعتراف می‌کنم، خود نیز در زمره‌ی آنانی هستم که با آب و تاب،
 زیارت وارث و عاشورا می‌خوانند و گاه با گریه و آه «یالیتی کنت معک»
 می‌گویند؛ اما از درک این حقیقت غافل و یا عاجزند که «حسین بن
 علی علیه السلام» در این زمان تو هستی و دوران غیبت، صحرای کربلای غربت
 توست و عرصه‌ی ابتلای مردمان و این تویی که هر صبح و شام آوای «هل
 من ناصرینصرنی» سر می‌دهی و یار و مددکار می‌طلبی. دردا که هلهله‌ی ایادی
 شیطان و امواج سپاه کفر و نفاق، شنیدن صدای استغاثات را مشکل

۲- صحیفه مهدیه: ۵۲.

۱- کفایة الاثر: ۲۲۰.

۳- همان.

ساخته است. افسوس که پرده‌های غفلت و معصیت، گوش جانمان را سنگین و ناشنوا ساخته است. ای کاش «هل من معین»ات را می‌شنیدیم و تو را لیبیک می‌گفتم. تازه در این میدان از ما سر و جان نخواسته‌ای. سخن از شمشیر و نیزه و تیر و خنجر نیست. فقط فرموده‌ای برای ظهورم دعا کنید. وای بر ما! بدا به حال ما که از انجام همین وظیفه‌ی ساده نیز طفره رفتیم... به فرمایش امام جعفر صادق علیه السلام که می‌رسم، قلم لحظه‌ای از نوشتن باز می‌ایستد. این شخصیت معصوم که تمامی مذاهب اسلامی خود را وام‌دار اقیانوس بی‌کران علمش می‌دانند در بیانی شگفت‌انگیز می‌فرماید:

لَوْ اَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتَهُ اَيَّامَ حَيَاتِي.

اگر او (حضرت مهدی علیه السلام) را درک کنم در تمام طول عمرم به خدمتش کمر می‌بندم.^۱

آقای من! روایات، دوران غیبت شما را به زندان تشبیه کرده‌اند. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پس از سال‌ها گرفتاری در سیاه‌چال‌های هارون الرشید لعنة الله علیه و دیدن شکنجه‌ها و آزارهای طاقت فرسا، دست به سوی آسمان بلند نموده و «خَلَّصْنِي مِنْ يَدِ هَارُونَ» سر داد. مادر پهلو شکسته‌ات پس از دیدن آن همه مصیبت که خود فرموده است:

صَبَّبْتُ عَلَيَّ مَصَائِبَ لَوْ اَنَّهَا صَبَّبْتُ عَلَيَّ صِرْنَ لِيَايَاً

این دعا را به درگاه و خداوند عرضه داشت که: «عَجَّلْ و فَاتِي سَرِيْعاً» و امیرمؤمنان علیه السلام نیز در شکایت از اهل زمانه‌ی خویش از خداوند - تعالی - درخواست نمود که خدایا: علی را از این‌ها بگیر و بدتر از علی را برایشان مسلط فرما.

جان عالم به فدای غربت تو که نمی توانی چنین دعا‌هایی را بر لب جاری کنی! صبر و شکیبایی پیشه می کنی چرا که باید مأموریت ناتمام همه‌ی انبیا و اولیا را به اتمام رسانی. صدها سال است که در انتظار صدور فرمان فرج از ناحیه‌ی حضرت حق روزها و شب‌ها را سپری کرده‌ای. عجب صبوری خدا دارد و عجب صبوری به حجت خویش عطا کرده است! هر ساله میلیون‌ها نفر به پابوس سلطان ارض طوس مشرف می شوند. خوشا به حالشان. به یقین قلب مقدس تو از این ابراز علاقه و محبت شیعیان به اجداد طاهری‌ات راضی و خشنود می گردد؛ اما ای کاش زائران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می دانستند که آن امام غریب ده‌ها سال پیش از تولد تو برای ظهورت دعا می کرد و در قنوت نمازش از خداوند می خواست که در زمره‌ی اصحابت قرار گیرد. با شنیدن نام زیبایت و به احترام تو از جای برمی خاست و دو دست خویش را بر سر می نهاد و اطرافیان خویش را نیز همه به دعا برایت توصیه می فرمود. اگر زائران حرم رضوی می دانستند که امام هشتم علیه السلام هم اینک داغدار غربت توست حداقل کنار ضریح و زیر گنبد طلای امام رضا علیه السلام که دعا مستجاب است برای شادی خاطر آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام هم که شده برای فرج و ظهور تو دعا می کردند.

زمانی که کم سن و سال تر بودم هرگاه به این روایت از امام جواد علیه السلام برمی خوردم که:

...فانه یقوم بعد موت ذکره و ارتداد اکثر القائلین

بامامته

... (حضرت مهدی علیه السلام) پس از آن که نامش فراموش شد و

بیشتر معتقدان به امامتش از عقیده‌ی خود برگشتند قیام می‌کند.^۱
 با تعجب از خود می‌پرسیدم مگر ممکن است معتقدان به امامت
 حضرت ولی عصر علیه السلام از ایشان روی گردان شوند؟ آن هم اکثریت آن‌ها!
 حالا به خوبی می‌فهمم که ارتداد، فقط به این معنا نیست که کسی بلندگو
 دست بگیرد و با صدای بلند، شما را انکار کند و یا قلم به دست گرفته و
 علیه شما، کتاب و مقاله بنویسد. همین که تو را به فراموشی سپرده‌ایم؛
 همین که غیبت برایمان عادی شده است؛ همین که دست روی دست
 گذاشته، برای ظهورت دعا نمی‌کنیم؛ همین که به توصیه‌ها و پیام‌های
 واقعی نمی‌نهییم؛ همین که خود را در محضر شما نمی‌بینیم... خود مصداق
 روشنی از این حدیث نورانی است.

ای کاش بشر از لجاجت و خیره‌سری در برابر آفریدگار مهربان
 خویش و حجت‌های او دست برمی‌داشت.

ای کاش در مکتب تاریخ می‌آموخت که اگر عدالت امیرمؤمنان
 علی علیه السلام را برنتابد ناچار به شقاوت حجاج‌ها تن خواهد داد و اگر در
 عافیت تو را نخواهد در کوران بلاهایی که نفس همگان را به شماره
 خواهد انداخت مجبور می‌شود تو را صدا بزند و ظهورت را طلب کند.

ای کاش می‌فهمیدیم که آن شمشیر زهر آلود که در محراب مسجد
 کوفه بر فرق مبارک اول مظلوم عالم فرود آمد عدالت رادو شقه کرد و این
 عدالت بود که در خون غلطید و این عدالت بود که با امیرمؤمنان علیه السلام دفن
 شد و تنها حضرت مهدی علیه السلام است که عدالت را زنده خواهد کرد.

و بالأخره‌ای کاش مردم جهان می‌دانستند که چگونه شیاطین شرق و

غرب عالم در صددند آتش نبردهای مرگبار هسته‌ای را در جهان شعله
ور سازند و از کشتن میلیاردها انسان نیز باکی ندارند.
هنوز دیر نشده است. فرصت همچنان باقی است. بیاییم همه با هم برای
ظهور موعود جهانیان دست به دعا برداریم.

فصل اوّل

محرومیّت خود ساخته

محروریت، نتیجه‌ی وانهان امام

یک صد و بیست و چهار هزار پیامبر آسمانی برای هدایت بشر مأموریت یافتند. واکنش انسان‌ها در برابر این سفیران نور چه بود؟ برخی را با آزه به دو نیم کردند!^۱ بعضی دیگر را زنده زنده در آتش سوزاندند! برخی را مظلومانه سر بریدند!^۲ دسته‌ای را مجنون و ساحر نامیدند و مابقی را تکذیب کردند و به جز اقلیتی مؤمن به آنها ایمان نیاوردند!

حاکمان جور نیز یازده امام مظلوم و معصوم شیعه را، یکی پس از دیگری، مظلومانه و غریبانه به شهادت رساندند.

هم‌اینک تنها و تنها یک گزینه پیش روی بشریت قرار دارد. فقط یک منجی برای انسان‌ها باقی مانده است.^۳ راه نجات دیگری فراروی بشریت متصور نیست. باید به ذخیره‌ی خدا در روی زمین - که وارث کمالات همه‌ی انبیا و اولیای الهی و خلاصه و عصاره‌ی آنهاست - پناه برد و به ساحت آن امام همام - که هادی مهدی است - تمسک بجوید.

۱. حضرت زکریا علیه السلام.
۲. حضرت یحیی علیه السلام.

۳. خداوند حکیم هم‌گویی این بشر سرکش و یاغی را به حال خود رها ساخته است و بر اساس حکمت خویش و قاعده‌ی «اختیار انسان» که در ناموس خلقت به ودیعت نهاده است راه حرکت او را سد نکرده است. بشر باید با عقل، شعور و تجارب خود به این نتیجه برسد که بدون حجّت خدا و تبعیت از فرامین او و تسلیم شدن در برابر تعالیم حیات بخش انبیا سعادت دنیا و آخرت غیر ممکن است.

یکی از بزرگ‌ترین دردها این است که نسل به نسل جامعه‌ی شیعه به غیبت امام خو گرفته و مطلبی با این اهمّیت برایش عادی شده است. خیلی‌ها گمان می‌برند که غیبت امام عصر علیه السلام و استمرار آن از مقدّرات حتمی بوده و اعمال و کردار مخالفین و موافقین آن حضرت در اصل غیبت و طول کشیدن آن بی تأثیر است.

توجّه به این نکته‌ی اساسی ضروری است که خداوند بشر را موجودی مختار و دارای قوه‌ی گزینش خیر و شر آفریده است. اگر این گونه نبود، پاداش و عقاب بی‌معنا می‌نمود و بهشت و جهنّم و حساب و کتاب، عث و بیهوده جلوه می‌کرد. نباید گناه‌کاران مؤاخذه، محاکمه و مجازات شوند و به خوبان و نیکوکاران پاداش و ثواب عطا گردد؛ ولی خداوند بشر را به پذیرش دعوت انبیا و ادار نکرده است؛ پیامبران فقط بشارت و بیم می‌دادند، ائمه‌ی معصومین علیهم السلام نیز چنین‌اند؛ بلکه می‌توان گفت اگر انبیا، به ابلاغ دعوت الاهی و مراجعه‌ی به مردم مأمور بودند، در مورد ائمه علیهم السلام کاملاً بر عکس است.

تمسک، عامل سعادت

روایات رسیده از پیشوایان ما، امام و حجّت خدای - تعالی - را به منزله‌ی کعبه معرفی کرده است. این مردم‌اند که باید برای زیارت بیت الاهی، رنج سفر بر خویش هموار کنند و با جان و دل به گرد خانه حقّ - جلّ جلاله - طواف کنند؛ هیچ‌گاه کعبه برای زیارت کسی از جای خویش حرکت نمی‌کند!

اگر خداوند - تبارک و تعالی - و پیشوایان معصوم ما به عنوان مثال، از به شهادت رسیدن حضرت سید الشهداء علیه السلام یا غیبت امام عصر علیه السلام پیش از تولد آن بزرگواران سخن گفته‌اند، در واقع از آن‌چه مردم خواهند کرد و به وقوع خواهد پیوست خبر داده‌اند و این به معنای آن نیست که ما جبر باور شویم و تصور کنیم که حتماً باید چنین وقایعی اتفاق می‌افتاد. شاید هم می‌خواستند با بیان این مطالب، مردم را از خواب غفلت بیدار گردانند و پیش از رخ دادن این حوادث، متوجه اشتباه خود و تبعات انتخاب‌های غلط خویش نمایند؛ درست مانند پدر مهربانی که ضمن نصیحت فرزند خویش، او را از عواقب هم‌نشینی با دوستان منحرف یا انتخاب راه‌های انحرافی و مکاتب الحادی آگاه می‌سازد.

متأسفانه برخی می‌پندارند امام عصر علیه السلام بنا به تقدیر حتمی الاهی از دیدگان غایب شده است و تا هر زمانی که خداوند بخواهد، در پس پرده‌ی غیبت خواهد ماند و ما باید به وظایف فردی خود عمل کنیم و به زندگی عادی خود و کسب و کار و تفریح و عبادت! خود مشغول باشیم؛ آقا - هر وقت که خدا بخواهد - می‌آید و جهان را اصلاح می‌کند! برخی نیز می‌گویند: هنوز جهان آماده نیست و معلوم هم نیست آن حضرت چه وقت خواهد آمد.

به این دو گروه باید گفت: اگر بنا بود ظهور با تقاضا و درخواست یک پارچه‌ی مردم بی ارتباط باشد، پس چرا در روایات رسیده از حضرات معصومین علیهم السلام و فرموده‌های منجی عالم بشریت، این قدر به دعا برای فرج تأکید و سفارش شده است؟ مگر نه این است که قرآن کریم به عنوان

یک سنّت الاهی تأکید فرموده است:

﴿ خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نخواهد داد مگر آن

که خود چنین تغییری را در درونشان انجام دهند.﴾^۱

در حدیثی آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روزهای پایان عمر شریف خویش، در خطاب به یکی از اصحاب، ضمن هشدار به روکردن سختی‌ها به مردم، سال هفتاد هجری را سال گشایش و پایان بلاها ذکر فرمودند،^۲ از این رو، در زمان امام باقر علیه السلام، ابوحمزه‌ی ثمالی به آن حضرت عرض کرد: آقای من، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده بودند: «در سال هفتاد برایتان گشایش خواهد بود.» چرا این گشایش حاصل نگردید؟ امام علیه السلام فرمودند:

«اگر مردم متوجّه امام زمان خود می‌شدند، قرار بود در آن سال کار به مسیر اصلی یعنی امامت امام برگردد؛ ولی با تنها ماندن حضرت سیدالشهدا علیه السلام و شهادت ایشان در کربلا، این امر تا سال ۱۴۰ هجری به تأخیر افتاد. تا آن سال مردم آن قدر در حفظ اسرار تعهدی که نسبت به امام زمان خود داشتند بی‌توجهی انجام دادند که این موعد به تأخیر افتاد و نزد ما وقت مشخص دیگری برای این مهم نیست.»

درباره‌ی آنچه موجب شد بشریّت خود را از بزرگ‌ترین نعمت

۱. رعد (۱۳): ۱۱.

۲. بحارالأنوار ۴۲: ۲۲۳.

الاهی محروم کند سخن زیاد است و در این مقال نمی‌گنجد. حقیقت آن است که باید نقطه‌ی آغاز این مصیبت و محرومیت بزرگ را در سرپیچی امت اسلامی از توصیه‌های اکید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد جانشینی و خلافت امیرمؤمنان علیه السلام و بستن باب علم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و آتش زدن در خانه‌ی حضرت زهرا علیها السلام دانست؛ فاجعه‌ای که هنوز که هنوز است بشریت تاوان آن را می‌پردازد و چوب آن را می‌خورد. درست است که عده‌ای معدود به طمع ریاست و به منظور کسب قدرت، غائله‌ی سقیفه را بر پا کردند؛ اما تمامی مردمی که در آن مقطع در برابر این امر سکوت کردند درحقیقت به خانه نشینی امیرمؤمنان علیه السلام و شهادت همسرش رأی مثبت دادند و ردّ پای انتخاب بشری کاملاً در داستان غضب خلافت به چشم می‌خورد.

از همین روست که در زیارت عاشورا - که منشور برائت شیعه - است ده‌ها بار از بیزاری و نفرین نسبت به ظالمان حق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم - که در واقع بالاترین ظلم را در حق بشریت روا داشته‌اند - سخن به میان آمده است.

اگر ائمه‌ی اطهار علیهم السلام یکی پس از دیگری به دست حاکمان جور، مظلومانه و غریبانه، به شهادت رسیدند و حضرت مهدی علیه السلام نیز از دیدگان طاغوت‌ها و مردم پنهان شدند، تقدیر حتمی الاهی نبوده؛ بلکه انتخاب بشر در آن نقش ایفا کرده است.

در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«قضای حتمی خداوند این است که اگر به بنده‌اش نعمتی را

عطا کند، قبل از آن که بنده گناهی مرتکب گردد که بدان مستوجب سلب نعمت شود، آن را از او نمی‌گیرد.»^۱

نیز آن امام همام فرموده است:

«اگر خدا بر مردم غضب کند، ما (اهل بیت) را از میان آنها

بیرون می‌برد.»^۲

آری، آن چه نمی‌بایست اتفاق می‌افتاد، واقع شد و بشریت از برترین نعمت الاهی^۳ با دست خود محروم گشت و این محرومیت خود ساخته

۱. تفسیر عیاشی ۲: ذیل آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی رعد.

۲. اصول کافی ۱: ۳۴۳ (کتاب الحجّة، باب فی الغیبة ۸۰، ح ۳۱).

۳. در تفسیر مجمع البیان در ذیل آیه‌ی ۸ از سوره‌ی مبارکه‌ی تکوین «ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» یعنی از تمام افراد مکلف از این نعمت سؤال می‌کند؛ روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند. که آن حضرت از ابوحنیفه سؤال فرمود: این نعمت چیست؟ ابوحنیفه گفت: الْمَأْكُلِ وَالْمَشَارِبِ خورندگی‌ها و نوشیدنی‌ها. امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «وَمَا أَكْثَرُ وُقُوفِكَ فِي الْمَحْشَرِ!» اگر این باشد که بخواهی حساب همه‌ی خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را پس بدهی، خیلی باید در محشر معطل بشوی! بعد امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: اگر کسی تو را به منزلش دعوت کند و سفره‌ی مفصلی پهن کند و انواع غذاها را آماده نماید و شما هم استفاده کنید؛ بعداً صورت غذا را ارائه دهد که این مقدار مصرف نمودی چه خواهی گفت؟ او پاسخ داد: لَقَدْ نَسَبْتُهُ إِلَى اللُّؤْمِ. می‌گویم عجب آدم پستی است. سپس امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: وای بر تو! همین نسبت را به خدا می‌دهی؟! خداوند ما را خلق نموده و به ما نعمت مرحمت کرده و استفاده‌ی از نعمت‌ها را به ما اجازه داده؛ آن‌گاه قیامت ما را معطل می‌کند که چه مقدار از این طعام‌ها استفاده کردی؟! عرض

هم چنان تاکنون ادامه یافته است.

حال، راه چاره چیست؟ چه باید کرد؟ چگونه می‌توان از این محرومیت خود آورده رها شد و از ظلمتکده‌ی دوران غیبت راهی به دنیای نورانی ظهور گشود؟ چگونه می‌توان حیات واقعی را به هستی باز گرداند؟ آیا می‌توان این داغ هزار و چهار صد ساله را مرهم نهاد و درمان کرد؟

برای این منظور، بهترین شیوه مراجعه به کلمات نورانی خاندان وحی عَلَيْهِمُ السَّلَام و پیام‌های یگانه منجی عالم هستی است. خوش بختانه و به لطف خالق متعال، امامان مهربان و دل سوزما از صدر اسلام و خاصه امام زمان ارواحنا فداه از شروع غیبت، همواره راه نجات را مشخص کرده‌اند و از آن جا که هدایتگری از شؤون امام است، از نمودن راه دریغ نفرموده‌اند.

شکی نیست که عمل به این دستورات راه نجات از بن بست کنونی و این محرومیت خودساخته است و ضامن سعادت و عزت دنیا و آخرت ما و شرط عاقبت به خیری و ماندن در صراط مستقیم الهی؛ زیرا جان مایه‌ی تشیع پیروی و اطاعت و امتثال بی چون و چرا از مولاست.

کرد: پس این چه نعمتی است که قرآن می‌فرماید: از همه سؤال می‌کنیم؟ فرمود:

«النَّعِيمُ وَاللَّهُ الْأَمَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ».

به خدا سوگند آن نعمت، ولایت ائمه‌ی هدی از آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام است.

مجمع البیان ۱۰: ۴۳۳، تفسیر الصافی ۷: ۵۴۷، تفسیر نورالثقلین ۸: ۳۰۹.

فصل دوّم

رهنمودهای نجات بخش

اگر به منظور جست و جوی راه کار برای تعجیل در فرج و رسیدن به وصال ایام صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در توقیعات شریف، رؤیاهای صادقه، مکاشفات رحمانی و تشرّفات افراد به محضر مبارک آن ولیّ خدا بنگریم، در سه مقطع می توان رهنمودهای آن امام همام را مورد توجه قرار داد:

۱- روزگار غیبت صغری.

۲- زمان صدور نامه خطاب به شیخ مفید رحمته الله علیه.

۳- از هنگام صدور نامه تا کنون.

فرمایش امام زمان ارواحنا فدا در غیبت صغری

امام عصر علیه السلام از طریق محمد بن عثمان رضی الله عنه دومین وکیل خویش در زمان غیبت صغری، خطاب به همه ی شیعیان فرمودند:

«برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید که همانا فرج و گشایش شما

در آن است.»^۱

در این سخن دو نکته ی مهم وجود دارد:

۱- کثرت دعا یعنی به دعای کم و در زمان محدود اکتفا نشود. آری

منتظران واقعی حضرتش از چشم انتظاری ملول نمی شوند و هرگز از تمنای فرج خسته نمی گردند.

۲- فرج و گشایش در همه ی امور ما (آخروی و دنیوی) تنها و تنها به

۱. کمال الدّین ۲: ۴۸۵ (باب ۴۵، ح

۳)؛ احتجاج ۲: ۴۹۹؛ بحارالأنوار ۵۳: ۱۸۱-۱۸۲.

فرج و ظهور اتمام علیه السلام وابسته است. در کتاب شریف مکیال المکارم آمده است:

یکی از زنان باایمان و پارسا در هنگام تسلط کفار بر کشور اسلامی و غم و ناراحتی شدید مردم، بزرگی را در عالم رؤیا دید که فرمود:

اگر مؤمن پس از نمازهایش - به همان طوری که وقتی خود مریض می شود یا به گرفتاری دیگری دچار می آید، برای رفع گرفتاری خود، به دعا کردن به جد رو می آورد - در دعا برای فرج مولایش مواظبت و مداومت کند آن سان که فراق امام زمان ارواحنا فداه باعث غم و ناراحتی او شده و قلبش راشکسته و احوالش را پریشان کرده باشد. چنین دعایی در این حال یکی از این دو امر را موجب می شود: یا امام زمانش سریع تر ظهور می کند یا غم و ناراحتی مؤمن دعاکننده، با برطرف شدن گرفتاری هایش و نجات از فتنه ها، به خوش حالی مبدل می شود.^۱

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در زمان حیات خویش به احمد بن اسحاق قمی رضی الله عنه فرمودند:

«سوگند به خدا، فرزندم دارای غیبتی خواهد بود که هیچ کس در آن دوران از هلاکت و نابودی رهایی نمی یابد، مگر خداوند او را بر اعتقاد به امامت وی استوار و بر دعا برای تعجیل ظهورش موفق بدارد.»^۲

۱. مکیال المکارم ۱: ۴۶۰. ۲. کمال الدین ۲: ۳۸۴ (باب ۳۸ ح ۱).

در صورتی که به فرمایش امام علیه السلام در غیبت صغری عمل شده بود، قطعاً نجات و رهایی از این محرومیت خود ساخته محقق می‌گشت؛ ولی متأسفانه توجّهی به رهنمودهای مبارک آن حضرت صورت نگرفت و از این رو، غیبت طولانی گشت. نیز اگر پس از مرقومه‌ی شریف امام زمان علیه السلام به شیخ مفید رحمته الله علیه، شیعیان به آن عمل کرده بودند، به وعده‌ی تخلّف ناپذیر حضرتش، یقیناً نجات آن‌ها حاصل می‌شد و سعادت دیدار به تأخیر نمی‌افتاد؛ ولی با کمال تأسّف و تأثر، تا کنون نیز شیعیان - چنان که باید - به این رهنمودها عمل نکرده و توجّه بایسته‌ای به تنها و تنها راه نجات خویش (استمرار بر باور امامت امام عصر علیه السلام و تمنای ظهور) ننموده‌اند!

نامه‌ی حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه خطاب به شیخ مفید

این نامه در اوایل غیبت کبری برای شیخ ابو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان مفید رحمته الله علیه - که از بزرگ‌ترین فقهای تاریخ شیعه به شمار می‌رود - شرف صدور یافته است. جالب توجّه است که حضرت در این نامه همان مقدار از غیبت (۹۰ سال تا زمان شیخ مفید رحمته الله علیه) را تأخیر نام نهاده‌اند و برای بیدار شدن مردم از غفلت، نکات تکان دهنده‌ای را تذکّر داده‌اند. از آن جا که نامه‌ی مزبور طولانی است به بخشی از آن اشاره می‌گردد:

«...اگر شیعیان ما - که خداوند متعال ایشان را به اطاعت خویش موقّف بدارد - با دل‌های متحد و یک پارچه بر وفای به عهد و پیمان خویش اجتماع می‌کردند، ملاقات ما از آن‌ها به تأخیر نمی‌افتاد و

سعادت دیدار و مشاهده‌ی با معرفت برای آن‌ها حاصل می‌شد و زودتر از این به دیدار ما نایل می‌شدند. آن چیزی که ما را از آنان دور کرده (و باعث طولانی شدن غیبت شده) است گناهان و خطاهایی است که مرتکب می‌شوند و ما چنین انتظاری از آن‌ها نداشتیم...^۱

در این بخش نامه، دو نکته‌ی مهم جلب توجه می‌کند:

۱- نامه دلی در وفانسیبت به فرمان‌برداری از امام زمان علیه السلام و لزوم هم‌دل شدن همه‌ی شیعیان برای وفای به عهد و پیمان امامت.

۲- مرتکب گناه شدن شیعیان و ضرورت اتفاق همگی آنان بر توبه‌ی حقیقی و بازگرداندن حقوق از دست رفته‌ی امام علیه السلام به ایشان.

تذکر بسیار مهم این است که در رأس همه‌ی گناهان، گناه عدم انجام وظیفه نسبت به آستان مقدّس امام عصر ارواحنا فداه است.^۲

این نامه در اواخر سال ۴۱۲ هجری صادر شده و هم اکنون بیش از هزار سال از صدور آن می‌گذرد. به راستی، کدامین اجتماع و کدامین اتّحاد برای وفا به عهدی که شیعه با پیشوای خویش بسته است صورت گرفته است؟ کدام توجه و توبه‌ی دسته جمعی انجام شده است؟

آری، کوتاهی و عدم وفای به پیمان‌الاهی، موجب محرومیت شیعه و جهان بشریت از این بزرگ‌ترین نعمت‌الاهی شده و این جریان غفلت تا هم اکنون نیز امتداد یافته است که:

«چگونگی بهره‌مندی از من در دوران غیبتم چونان بهره بردن از

۱. بحارالأنوار ۵۳: ۱۷۶.

۲. رک. حدیث نبوی یاد شده در پاورقی ص ۱۱.

خورشید است؛ زمانی که ابرها آن را از دیدگان مستور می‌دارند.^۱
 طبق این کلام شریف، وجه غیبت خورشید را باید در وجود ابرها جست و جو کرد و گر نه آفتاب، بنا به ماهیت خویش، یکسره قابل رؤیت است. خورشید امامت نیز سراسر لطف و رحمت است و مردم‌اند که با عدم آمادگی برای قبول حکومت الاهی او و ارتکاب گناهان، آن وجود نازنین را در پس پرده‌های سیاه غفلت و معصیت خود پنهان می‌کنند. این چنین است که شیخ طوسی رحمته الله علیه می‌گوید:

سبب غیبت امام عصر علیه السلام نمی‌توان از جانب خداوند یا خود آن حضرت باشد.

او پس از ذکر نکته‌ای می‌افزاید:

...و جهت آن غلبه‌ی خوف از نابودی حق و مطیع نبودن مردم نسبت به اوست. هر موقع که این سبب زائل شود و مردم در اطاعت او بکوشند و تسلیم او شوند، ظهور واجب می‌شود.^۲

خواجه نصیر طوسی رحمته الله علیه نیز در تبیین این حقیقت جمله‌ی معروفی دارد که:

وَجُودُهُ لُطْفٌ وَتَصَرُّفُهُ لُطْفٌ آخِرٌ وَعَدَمُهُ مِنَّا.^۳

وجود امام مهر است و تصرف او (در جایگاه هدایت انسان‌ها بودنش) مه‌ری دیگر و نبود او از ماست.

فصل الخطاب تمام این تعابیر، کلام عرشی حضرت فاطمه‌ی

۱. کمال الدین ۲: ۴۸۵ (باب ۴۵، ح ۴)؛ بحار الأنوار ۵۳: ۱۸۱.

۲. بحار الأنوار ۵۲: ۹۲، ح ۷. ۳. کشف المراد ۳۶۲.

زهرا علیها السلام است در نکوهش مردمانی که با سکوت خویش و تأیید عملی ربایندگان خلافت، امیر راستین مؤمنان را خانه نشین کردند:

«مَثَلُ الْأِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تُؤْتَى وَلَا تَأْتِي»^۱

«امام همچون کعبه است که (باید) به سوی او روند؛ او (به سوی

مردم) نمی آید.»

آری امام زمان ارواحنا فداه کعبه‌ی مقصودی است که بشریت برای نیل به سعادت آخرت و دنیای خویش، باید متوجه آستان او شود و پروانه وار گرد آن وجود شریف طواف کند، آیا به راستی راهی به جز کرنش در برابر خداوند و گردن نهادن به فرمان‌های الهی و بازگشت به سوی اهل بیت علیهم السلام فرا روی بشریت باقی مانده است؟

غربت در غیبت

پس از عملی نشدن رهنمود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در غیبت صغری در نامه‌ای که به شیخ مفید مرقوم فرمودند، هم و غم و اندوه و حزن و آلام آن حضرت روز به روز بیش تر و بیش تر شد. احساس تنهایی و مظلومیت و غربت از سویی و از دیگر سو، غفلت و بی‌اعتنایی و عدم معرفت شیعه به خواسته‌های آن حجت خداوندی و... به فرمایش امام هشتم علیه السلام، موجب شد که آسمان‌ها و زمین و ساکنان آن بر امام زمان علیه السلام بگریند.^۲ آیا می‌دانید چندین امام معصوم، ده‌ها و شاید صدها

۱. بحار الأنوار ۳۶: ۳۵۳.

۲. امام رضا علیه السلام فرمودند: «فتنه‌ی بسیار سختی تقدیر حتمی شده است که هر

سال قبل از ولادت آن بزرگوار، بر غربت و مظلومیت و طولانی شدن غیبت ایشان گریسته‌اند؟

امام صادق علیه السلام را دیدند که بر روی خاک نشسته است و همانند مادر فرزند از دست داده، گریه می‌کند و به پهنای صورت اشک می‌ریزد و چنین زمزمه دارد:

«آقای من! غیبت تو خواب را از دیدگان من ربوده و خاطر مرا پریشان ساخته و آرامش دل را از من گرفته... سرور من! غیبت تو مصیبتی جان‌کاه بر سراسر هستی‌ام فرو ریخته است که هرگز از آن تسلی نمی‌یابم از دست دادن یاران، یکی پس از دیگری اجتماعات را در هم می‌ریزد. بلاها و سختی‌ها، رنج‌ها و اندوه‌ها آن چنان بر دلم سنگینی می‌کند که دیگر اشک دیده و فریادهای سینه را احساس نمی‌کنم...»^۱

آیا می‌دانید در روایات حضرات معصومین علیهم السلام، شیعیان و محبین اهل بیت علیهم السلام به دعا برای فرج موعود آل محمد علیهم السلام تشویق شده‌اند؟ مگر نه این است که در طول این یازده قرن غیبت کبری، هر ظلم و جنایت

فردی مطمئن و مورد وثوقی نیز در آن می‌افتد. این فتنه هنگامی روی می‌دهد که شیعه‌ی دوازده امامی، سؤمین حجّت و امامی را که از فرزندان من به دنیا می‌آید (سؤمین فرزند حضرت جواد علیه السلام) گم کرده باشند که اهل آسمان و زمین بر او می‌گیرند...» ادامه‌ی روایت را در این مآخذ مطالعه کنید: کمال‌الدین ۲: ۳۷۰؛ غیبت شیخ طوسی: ۲۸۳.

۱. بحارالأنوار ۵۱: ۲۱۹، کمال‌الدین: ۳۵۳.

و بدعت و معصیتی که در عالم صورت گرفته و هر خونی که به ناحق ریخته و هر اشکی که از گوشه‌ی چشم یتیمی یا مظلومی سرازیر شده و هر ناله‌ای که از سینه‌ی دردمندی برخاسته است، همه در منظر آن بزرگوار بوده و خاطر شریف حضرتش را آزرده ساخته است؟ آیا به راستی، مصایب و خون دل‌ها و مظلومیت آخرین حجّت الاهی به تنهایی از مجموع غم‌های اهل بیت علیهم السلام بیش تر نیست؟

آلام و رنج‌ها و گریه‌های بیت‌الاحزان مادر بزرگوارشان حضرت زهرا علیها السلام پس از رحلت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلی الله علیه و آله و سلم - اگر چه جگر خراش و جان‌سوز بود - سه ماهی بیش طول نکشید. دوران غربت و خانه نشینی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ربع قرن بود. فاجعه‌ی خون‌بار عاشورا سخت‌ترین مصائب عالم هستی بود؛ اما در ظرف زمانی کوتاهی صورت پذیرفت. دوره‌ی حبس باب الحوائج حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را حدّا کثر ۲۱ سال نوشته‌اند.... اما هم‌اکنون ۱۱۷۱ سال از ولادت امام عصر اروحنا فداه می‌گذرد و این تواناترین و دلیرترین و شایسته‌ترین انسان روی زمین هنوز هم در زندان غیبت به سر می‌برد. چه صبر و استقامت و طاقتی! چه انتظار طولانی و دردناکی!

طبیعی است که اگر عضوی از یک خانواده یا یک خاندان به هر دلیل با مشکلی روبه‌رو شود، به دنبال آن تمام اقوام و آشنایان دست به دست یک دیگر می‌دهند؛ به حرکت و تکاپو می‌افتند؛ بالا و پایین می‌روند؛ هزینه می‌کنند؛ اسناد ملک و آبروی خود را به ودیعه می‌گذارند تا او را از گرفتاری خلاص کنند. این را بارها دیده‌ایم.

مگر مطابق آموزه‌های اعتقادی و معارف شیعه، امام زمان ما ارواحنفاذیه عزیزتر از جان و هستی و پدر و مادر و فرزندان و عزیزان ما نیست؟ مگر در زیارت جامعه‌ی کبیره نمی‌خوانیم:

بِأَبِي أُمَّتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي

پدر و مادر و جان و خانواده و دارایی و همه‌ی خاندانم به فدای شما

اهل بیت علیهم السلام باد!؟

پس بیایم با ترک گناه و با دعا برای ظهور آن حضرت، قفل زندان غیبت را بشکنیم و مولای عزیزتر از جان خود را از این گرفتاری چند سده آزاد سازیم.

بارها دیده‌ایم که اگر فرزند یک خانواده یا مسافر آن‌ها در بازگشت به منزل اندکی تأخیر کند، دل‌های عزیزان و نزدیکان او به اضطراب می‌افتد و از ترس این که مبدا اتفاق افتاده باشد، به دنبال علت تأخیر او می‌روند. اینک، تأخیر در ظهور آخرین حجّت خدا در زمین، ما و جامعه‌ی شیعه را تا چه حد به اضطراب و حرکت و تلاش و تفکر واداشته است؟

دیده و شنیده‌ایم اگر عزیزی از یک خانواده، بی هیچ جرم و گناهی، مظلومانه کشته شود، اولیای دم به چیزی کم‌تر از قصاص قاتل، آن هم هر چه سریع‌تر، راضی نمی‌شوند تا شاید بدین وسیله اندکی از آلام بازماندگان تخفیف یابد. حال اگر این خون به ناحق ریخته، «ثار الله» یعنی خون خدا و جگر گوشه‌ی نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و پرورده‌ی دامان سیده‌ی النساء علیها السلام و سید جوانان اهل بهشت و فرزندان و عزیزان او باشد و اولیای دم خدای - تعالی - و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، قضیه چه

صورتی پیدا می کند؟

مگر نه در دعای ندبه، مولای ما حجة بن الحسن علیه السلام طلب کننده ی خون شهید کربلا خوانده می شود و انتقام خون به ناحق ریخته ی حضرت زهرا ی اطهر علیه السلام را نیز حضرت بقیة الله ارواحنا فداه خواهند گرفت؟
از قول علامه ی امینی رحمته الله نقل شده است که وقتی در خانه به پهلوی حضرت زهرا علیه السلام اصابت کرد، آن مظلومه صدا زدند: «پسرم... مهدی!».
امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«باقی مانده ی هیزم هایی که با آنها در خانه ی مادرم حضرت صدیقه ی طاهره علیه السلام آتش زده شد، اینک نزد ماست که دست به دست به ما می رسد... تا به دست قائم ما علیه السلام». ۱
امام صادق علیه السلام نیز فرمودند:

«از حقوق ما بر شیعیانمان این است که بعد از هر نماز واجب، دست بر چانه بگذارند و سه مرتبه بگویند:

يا رَبِّ مُحَمَّدٍ عَجَلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ.

يا رَبِّ مُحَمَّدٍ احْفَظْ غَيْبَةَ مُحَمَّدٍ.

يا رَبِّ مُحَمَّدٍ انْتَقِمِ لِابْنَتِهِ مُحَمَّدٍ.^۲

ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله و سلم، گشایش امور آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را تعجیل فرما.

ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله و سلم، در غیبت محمد صلی الله علیه و آله و سلم (دین را) محافظت

کن.

۱. شرح دعای سمات، حاج شیخ علی اکبر نهاوندی: ۱۹۲.

۲. صحیفه ی مهدیه: ۱۹۵.

ای پروردگار محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، انتقام دختر محمد را بگیر.»

دعبل خزاعی، شاعر شجاع و نام آور شیعه، قصیده‌ی تائیه‌ی خود را در محضر امام رضا علیه السلام قرائت کرد و به این بیت رسید:

وَقَبْرٌ بِبَغْدَادٍ لِنَفْسٍ زَكِيَّةٍ

تَضَمَّنَهَا الرَّحْمَانُ بِالْعُرْفَاتِ

-قبری از آل محمد علیهم السلام در بغداد هست که از آن یک نفس پاکیزه است (و آن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است) که خداوند آن را در غرفه‌های بهشت جا داده است .

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

«آیا می‌خواهی من به این قسمت از قصیده‌ی تو، دو بیت ملحق

کنم که با آن‌ها، شعر تو کامل شود؟»

دعبل گفت: بلی، یابن رسول الله. آن حضرت چنین سرودند:

«وَقَبْرٌ بِطُوسٍ، يَا لَهَا مِنْ مَصِيبَتِهِ تَوَقَّدَ فِي الْأَحْشَاءِ بِالْحَرَقَاتِ
إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا يَفْرُجُ عَنَّا الْهَمَّ وَالْكَرْبَاتِ»

- «قبری نیز در شهر طوس است و چه مصیبت‌ها خواهد داشت؛

مصیبت‌هایی که درون آدمی را آتش می‌زند!

- تا آن‌که خداوند قیام‌کننده‌ای (از ما ائمه) را برانگیزد و او غم‌ها و

حزن‌ها را از ما بزدايد.»^۱

این روایت نشان می‌دهد که امر فرج و ظهور حضرت

صاحب الزّمان ارواحنا فداه تا چه اندازه برای حضرت امام رضا علیه السلام حائز اهمیت است.

در زیارت ناحیه‌ی مقدّسه، امام عصر ارواحنا فداه خطاب به حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام چنین عرضه می‌دارد:

«جَدَّ غَرِيبٍ مِنْ! اِگَر رُوْزِ گَارِ مِرَا بَه تَا خَيْرِ اِنْدَاخْتِ وَ دَسْتِ تَقْدِيرِ

مِرَا اَز يَارِي تُو بَا ز دَا شْتِ وَ نُبُو دَم تَا بَا كَسَانِي كِه بَا تُو جَنْگِيدَنْدِ ، بَسْتِي زِم

وَ بَا آن هَا كِه بَا تُو دَشْمَنِي دَا شْتَنْدِ بَه نَبْرِدِ بَر خِي زِم ، اِي نَكِ هَر صَبِي حِ وَ شَامِ

بِرَا يْتِ مِي نَالَمْ وَ بَه جَا يْ اَشْكِ خُو نِ مِي گَرِي مِ...»^۱

آری با گذشت بیش از ۱۳۶۵ سال از واقعه‌ی جان سوز کربلا، هنوز

مصیبت شهادت فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اسارت حرم آن حضرت به

ویژه اسارت جان‌گداز بانوی صبر و شجاعت حضرت زینب کبری علیه السلام

هر صبح و شام، اشک و خون از دیدگان مولای ما جاری می‌کند.

حال که ولی نعمت ما خود را نوحه خوان همیشه‌گی و گریه کننده بر

حضرت سید الشهداء علیه السلام می‌داند، آیا نباید برای خاتمه یافتن اشک‌ها و

گریه‌های امام زمانمان حرکتی کنیم؟ آیا نباید تعجیل در ظهور آن

حضرت را - که با انتقام از قاتلان و دشمنان آل محمد علیهم السلام مساوی است -

خواستار شویم؟ صاحب مکیال المکارم می‌نویسد:

اگر در دعا برای تعجیل در فرج مولایمان حضرت صاحب الزّمان ارواحنا

فداه جز این ثوابی نبود، همین در فضیلت و شرافت آن کافی بود و حال آن که

فضل و ثواب بی‌شماری در آن است... به تحقیق خون خواهی آن حضرت

وظیفه‌ی هر مؤمن است؛ زیرا که آن جناب پدر حقیقی آنان است.^۱

مظلومیت امام عصر علیه السلام از زبان مبارک خود آن حضرت

مرحوم حاج شیخ محمد جعفر جوادی در عالم کشف یا شهود خدمت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه مشرف شده آن حضرت را بسیار غمگین می‌بیند. از حال آن بزرگوار سؤال می‌کند. می‌فرماید:

«دلم خون است! دلم خون است!...»^۲

مرحوم حاج محمد علی فشنیدی می‌گوید:

در مسجد جمکران قم، اعمال را به جا آورده بودم و با همسر می‌آمدم. دیدم آقایی نورانی داخل صحن شده‌اند و قصد دارند به طرف مسجد بروند. با خود گفتم: این سید نورانی در این هوای گرم تابستان، از راه رسیده و تشنه است. ظرف آبی به دست ایشان دادم. پس از آشامیدن، ظرف آب را پس دادند. گفتم: آقا، شما دعا کنید و فرج امام زمان ارواحنا فداه را از خدا بخواهید تا امر ظهور نزدیک شود، فرمودند:

«شیعیان ما به اندازه‌ی آب خوردنی ما را نمی‌خواهند! اگر ما را

بخواهند، دعا می‌کنند و فرج ما می‌رسد.»^۳

یکی از علمای وارسته و برجسته‌ی نجف به کربلای معلی مشرف

۱. ترجمه‌ی مکیال المکارم ۱: ۵۳۰.

۲. صحیفه‌ی مهدیه: ۵۲.

۳. شیفتگان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱: ۱۵۵ با اندکی

تصرف.

می شود و در حرم مطهر حضرت سید الشهداء علیه السلام به محضر حضرت مهدی ارواحنا فداه شرف یاب می گردد. امام زمان علیه السلام به او می فرماید:

«فلانی، ببین این جا- که (در کنار ضریح جدّ غریبم و زیر گنبد طلای آن) دعا مستجاب است- مردم به فکر من نیستند و برای فرج من دعا نمی کنند.»

سپس آن حضرت تصرّف ولایتی می فرمایند و آن عالم ربّانی خواسته های مردم را می شنود که هر کدام برای حوایج خصوصی خود دعا می کنند. امام علیه السلام می فرماید:

«شنیدی؟! حتی یک نفر از این زائرین نگفت: خدایا فرج مهدی را برسان.»^۱

شمیم ظهور

کسی که در اثر تصادف با اتومبیل از ناحیه ی دو پا فلج شده و برای شفا، در مسجد مقدّس جمکران به امام زمان ارواحنا فداه متوسل شده بود می گفت:

... ناگاه دیدم مسجد (جمکران) نور عجیب و بوی خوشی دارد. به اطراف نگاه کردم. دیدم مولا امیر المؤمنین علیه السلام حضرت سید الشهداء علیه السلام قمر بنی هاشم علیه السلام و امام زمان عجل الله فرجه در مسجد حضور دارند با دیدن آنها، دست و پای خود را گم کردم. نمی دانستم چه کنم که ناگاه امام زمان ارواحنا فداه به طرف من نگاه کردند و لطف ایشان شامل حال من شد، به من فرمودند:

۱. مجله ی موعود، ش ۱۳، مقاله ی آقای هاشمی نژاد.

«شما خوب شدید؛ بروید به دیگران بگویید برای ظهورم دعا کنند که ظهور - ان شاء الله - نزدیک است.

این واقعه در محرم سال ۱۴۱۴ اتفاق افتاده است.^۱

فرزند یکی از بزرگان پدر خویش را در رؤیا دید و در همان عالم رؤیا، در معیت پدر خویش به محضر آقا بقیة الله ارواحنا فداه مشرف شد. وی در ضمن سؤال و جواب با امام علیه السلام از آن حضرت پرسید:

... یابن رسول الله، آیا وقت ظهور موفور السّرور رسیده است تا دیدگان همه به جمال و حضور و ظهور شما روشن شود؟ فرمودند:

«از علائم ظهور، فقط علائم حتمی مانده است و شاید آنها نیز

در مدتی کوتاه به وقوع بپیوندند و بر شما باد به دعای فرج.»^۲

وظیفه‌ی سنگین شیعیان ایران

در این میان، شیعیان ایران در قبال آن حضرت وظیفه‌ای سنگین و بزرگ‌تر دارند؛ چراکه به اذعان و اقرار همگان، این آب و خاک، سرزمین امام زمان ارواحنا فداه است و در سایه‌ی الطاف و عنایات آن بزرگوار است که شرور و فتنه‌ها و کید و مکر بدخواهان دامن گیر خود آنها شده و ما را از پا در نیاورده است. در داستان توسّل و تشرّف شیخ اسماعیل نمازی شاهرودی رحمته الله علیه به محضر آقا امام زمان علیه السلام - که بسیار مفصّل و آموزنده است - چندین بار سخن از نعمت‌های ایران به میان می‌آید و آن حضرت

۱. کرامات المهدی علیه السلام: ۱۰ - ۱۱.

۲. شیفتگان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱: ۱۸۴-۱۸۵.

می فرماید:

«كُلُّ مَن بَرَكَاتِ الْأُمَّةِ.»

گاهی هم فرموده‌اند:

«كُلُّ مَن بَرَكَاتِنَا.»

و تأکید کردند:

«همه جای ایران نعمت وافر و فراوان است و همه از برکت ما

اهل بیت است.»^۱

در دوران جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط قوای انگلیس و روس - که حملات و هجوم به ملت شیعه اوج گرفته بود - مرحوم آیه الله میرزای نائینی رحمته الله علیه خیلی پریشان بود و نگران از این که: این وضع به کجا خواهد انجامید؟! نکند که این کشور محب و دوست‌دار امام زمان ارواحنا فداه از بین برود و سقوط کند! در همان زمان‌ها، شبی به آستان مقدس امام عصر ارواحنا فداه متوسل شد و در حال توسل و گریه و ناراحتی به خواب رفت. در عالم خواب دید دیواری است به شکل نقشه‌ی ایران و این دیوار شکست برداشته و خم شده و در حال افتادن است. در زیر این دیوار، یک عده زن و بچه نشسته‌اند و دیوار در حال فروریختن روی سر آنهاست.

وقتی مرحوم نائینی رحمته الله علیه این صحنه را می‌بیند، به قدری نگران می‌شود که فریاد می‌زند و می‌گوید: خدایا! این وضع به کجا خواهد انجامید؟ در این حال می‌بیند که حضرت ولی عصر علیه السلام تشریف آوردند و انگشت

۱. متن پیاده شده‌ی نوار سخنرانی ایشان.

مبارکشان را به طرف دیواری که خم شده و در حال افتادن بود گرفتند و فرمودند:

«این جاشیعه خانه‌ی ماست. می‌شکند؛ خم می‌شود؛ خطر هست؛ ... ولی ما نمی‌گذاریم سقوط کند. مانگه‌اش می‌داریم.»^۱

عنايات خاصّ به جامعه‌ی شیعه

در این روزگار، به میمنت و جود مقدّس حضرت صاحب الزّمان علیه السلام تمام خلائق روزی می‌خورند و آسمان و زمین پابرجاست^۲ و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«... اگر زمین یک ساعت از حجت خدا خالی باشد، ساکنان خود

رافرو می‌برد.»^۳

با این همه، عنایت خاصّ آن پیشوای غایب به جامعه‌ی شیعه - که در کلام نورانی حضرتش به مرحوم شیخ مفید رحمته الله متجلی است - وظیفه‌ی شیعیان جهان را سنگین و سنگین‌تر می‌کند:

«مادر رعایت حال شما کوتاهی (ورهایتان) نمی‌کنیم. اگر چنین

نبود، محنت و گرفتاری بر شما نازل می‌شد و دشمنان شما را ریشه کن

می‌کردند.»^۴

۱. فرازی از تجلیات امام عصر: ۵۴.

۲. «وَبِيْمُنِهِ زُرِقَ الْوَرَىٰ وَبِوُجُوْدِهِ تَبَتَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ.» مفاتیح الجنان،

دعای عدیله. ۳. بحارالأنوار ۵۱: ۱۱۳.

۴. احتجاج ۲: ۲۳۳.

هم چنین از آن حضرت نقل شده است که فرمودند:

«اگر این گونه نبود که ما دوست دار اصلاح کار شمایم و به شما نظر لطف و رحمت داریم، از توجّه و التفات به شما، به خاطر کارهای ناپسندتان، احتراز می کردیم.»^۱

آیا با آگاهی از این همه لطف و احسان و بزرگواری و عنایتی که امام زمان علیه السلام به جامعه‌ی شیعه دارند، نباید احساس شرمندگی به ما دست دهد؟ آیا نباید به فکر جبران بی وفایی‌ها، نامهربانی‌ها و جفاهایمان نسبت به امام مهربان خویش بیفتیم؟

در خاتمه‌ی این بخش، تذکر این نکته لازم است که اگر بر اهمّیت «دعا برای تعجیل فرج» تأکید می‌گردد، تصوّر نشود که - خدای ناکرده - امام عصر علیه السلام نیازمند دعای مردم‌اند.

می‌دانیم که خدای - تبارک و تعالی - هیچ احتیاجی به بندگان خویش ندارد و در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿اگر شما و همه‌ی اهل زمین کافر شوید، خداوند از

همه بی‌نیاز است.﴾^۲

به همین سان آن خاندان پاکی نیز از خلق خدا بی‌نیازند؛ چنان که حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام فرمودند:

«همگان به او (حضرت مهدی علیه السلام) نیازمندند و او به هیچ کس

نیازی ندارد.»^۳

۱. بحار الأنوار ۵۳: ۱۷۹. ۲. سوره‌ی ابراهیم (۱۴): ۹.

۳. منتخب الأثر: ۳۰۹.

اگر به مثل، امیرمؤمنان علیه السلام مردم را به جهاد با ناکثین و قاستین و مارقین فرا خواندند یا «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يُنصِرُنِي» حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در صحرای کربلا طنین انداز گردید یا امام عصر علیه السلام شیعیان را به دعای برای فرج خویش دعوت می‌کنند، نه از باب نیاز آن برگزیدگان و عزیزان خدا به مردم است؛ بلکه این از دل‌سوزی ایشان برای هدایت و رستگاری انسان‌ها ناشی می‌گردد؛ همان طور که شهدای کربلا با یاری حضرت سید الشهدا علیه السلام در پیشگاه خداوند به مقامی دست یافتند که مورد غبطه و حسرت همگان قرار گرفتند.

حضرت ولی عصر علیه السلام در یکی از توقیعات می‌فرمایند:

«به من رسیده است که گروهی از شما در دین به تردید افتاده و در دل نسبت به اولیای امرتان شک و حیرت کرده‌اید و این مایه‌ی غم ما شده است، البته به خاطر خود شما نه برای خودمان؛ زیرا که خداوند با ماست و با بودن او نیازی به دیگری نداریم و حق با ماست. بنابراین اگر کسانی از ما دست بردارند، این هرگز ما را به وحشت نمی‌اندازد. ما ساخته شدگان خداییم و مردمان ساخته شدگان ما.^۱»

فصل سوّم

چه باید کرد؟

جایگاه امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در زندگی ما

از وقتی که مسجد النبی ساخته شد، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در موقع ایراد خطبه و سخن رانی برای مسلمانان (مخصوصاً روزهای جمعه) بر تنه‌ی درخت خرمایی که در صحن مسجد باقی مانده بود تکیه می‌دادند؛ منتها وقتی جمعیت زیاد شد، اصحاب پیشنهاد کردند که منبری برای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ساخته شود تا همگان، به آسانی بتوانند پیشوای مهربان خود را ببینند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز اجازه فرمودند؛ منبری از چوب بادو پله و یک عرشه ساخته شد.

اولین جمعه‌ای که پیش آمد، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جمعیت را شکافت و با پشت سر گذاشتن آن ستون نخل، به طرف منبر ره‌سپار شدند. همین‌که بر عرشه‌ی منبر قرار گرفتند، یک‌باره صدای ناله ستون خشکیده همانند زنِ فرزندِ مرده بلند شد. با ناله‌ی ستون، صدای جمعیت نیز به گریه و ناله برخاست. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از منبر به زیر آمدند؛ ستون را در بغل گرفتند و دست مبارک خود را بر آن کشیدند و فرمودند: «آرام باش!» سپس به سمت منبر بازگشته خطاب به مردم فرمودند:

«ای مردم! این چوب خشک نسبت به رسول خدا اظهار علاقه و اشتیاق می‌کند و از دوری وی محزون می‌گردد؛ ولی برخی از مردمان با کشان نیست که به من نزدیک شوند یا از من دور گردند! اگر من او را در بغل نگرفته و بر او دست نکشیده بودم، تا روز قیامت از ناله

خاموش نمی شد.^۱

آری، درختی خشک لحظه‌ای از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دور شد صدا به ناله بلند کرد؛ با این که آن حضرت را می دید. ما را چه شده است که امام زمان خویش را نمی بینیم و از او دوریم؛ اما به زندگی عادی خویش سرگرم‌ایم؟ به یاد همه کس و همه چیز هستیم؛ جز امام زمانمان!

سید کریم پینه دوز از بخت یارانی بود که توفیق و سعادت دیدار ولی غایب خدا، امام زمان علیه السلام را در حجره‌ی محقر خود داشت. نوشته‌اند که روزی امام ارواحنا فداه از آن مرد سعادت‌مند پرسیدند:

«سید کریم! اگر هفته‌ای بگذرد و ما را نبینی چه خواهی کرد؟»

سید کریم پاسخ داده بود: آقا جان می میرم! حضرت ولی عصر ارواحنا فداه نیز فرموده بودند:

«اگر این گونه نبود به سراغت نمی آمدم.»

تعارف را کنار بگذاریم. اگر به راستی چنین حالتی به برخی شیعیان (نه همه‌ی آن‌ها!) دست بدهد و فراق و هجران آن حضرت دست کم، گروهی از دوستان را اندوهگین و بی قرار سازد، به سعادت وصال و حضور ایشان نخواهیم رسید؟

داستان ما داستان طفل صغیری است که پدر خویش را از دست می دهد. او به دلیل عدم بلوغ فکری، نمی داند به چه بلا و محرومیتی گرفتار شده است؛ اما بزرگ‌ترها - که عمق مصیبت را می فهمند - برای وی اظهار دل سوزی می کنند. به بیان امام حسن عسکری علیه السلام:

۱. بحار الأنوار ۱۷: ۳۲۶-۳۲۷.

«سخت‌تر از یتیمی که پدرش را از دست داده، آن یتیمی است که از امامش بریده شده است و نمی‌تواند به او برسد (و بدو دست‌رسی ندارد).»^۱

در برخی روزنامه‌ها ستونی به نام «جویندگان عاطفه» وجود دارد. بارها دیده شده است که فردی مثلاً سی سال پیش طّی حادثه‌ای، پدر و مادر یا نزدیکان خویش را گم کرده است. او آگهی می‌دهد؛ سرگذشت خود را می‌نویسد؛ عکس و پیام خود را به چاپ می‌رساند؛ مژدگانی هم تعیین و تلفن تماس اعلام می‌کند و عاجزانه از خوانندگان روزنامه تقاضا می‌کند که اگر ردّ و نشانه‌ای از بستگان او دارند، وی را مطلع سازند. کدامین ما تا به این حدّ عاشق دیدن امام زمان خویش هستیم؟ به چه میزان برای دیدن او و درک محضر مقدّسش تلاش کرده‌ایم؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«هیچ بنده‌ای ایمان به خداوند ندارد مگر این که من در نزد او از خودش محبوب‌تر باشم و عترت مرا بیش از عترت خود و خانواده‌ام را بیش از خانواده‌ی خود و جان مرا بیش از جان خود دوست داشته باشد.»^۲

اگر فرزند ما در بازگشت از مدرسه اندکی تأخیر کند، چه می‌کنیم؟ خون‌سرد و آرام در جای خویش می‌نشینیم یا - از ترس این که مبادا برای او اتفاقی افتاده باشد - سراسیمه به کوچه و خیابان می‌رویم؟ کدام یک از ما تأخیر در ظهور امام خویش را جدّی گرفته‌ایم؟ دوری

از امام حاضر چه تعداد از شیعیان را دردمند و دل نگران ساخته است؟ اصلاً چند درصد جامعه‌ی شیعه غیبت امام را مشکل و درد می‌دانند که بخواهند به دنبال درمان و دوی آن باشند؟ چند نفر را دیده‌اید که در این مصیبت، آسایش خویش را، اگر چه موقت و محدود، از دست داده باشند؟ سراغ دارید کسی را که هر چند وقت یک بار، خواب و خوراکش مختل شده باشد؟!

اگر پرسش نامه‌ای را در اختیار ما بگذارند و از ما بخواهند گرفتاری‌های خود را به ترتیب اولویت فهرست کنیم، چند درصد نخستین گرفتاری خود را غیبت امام زمان علیه السلام خواهیم دانست؟

اگر هم اکنون فرشته‌ای از آسمان نازل شود و بگوید: من از جانب حق - تعالی - مأموریت دارم فقط یک حاجت و خواسته‌ی تو را حتماً برآورده سازم، کدام یک از ما مهم‌ترین حاجت و خواسته‌ی خود را فرج امام عصر علیه السلام ذکر خواهیم کرد؟

در سفرهای زیارتی، در اوقات استجاب دعا، در آن لحظه‌هایی که دل می‌شکند و اشک جاری می‌شود، چه تعداد از ما، درخواست فرج را در اولویت دعاهایمان قرار می‌دهیم؟

تأسف آوراست که بگویم یکی از همکاران فرهنگی - که سال‌ها معلم دینی و عربی بوده و اخیراً بازنشسته شده است - پس از مطالعه‌ی این سطور به نویسنده گفت:

من تا به حال نمی‌دانستم علت غیبت امام عصر علیه السلام بی وفایی و بی معرفتی ما شیعیان است.

به راستی، امام عصر علیه السلام در کجای زندگی ما قرار دارد؟ متن یا حاشیه؟ چند دقیقه از ۲۴ ساعت اوقات شبانه روز ما اختصاص به حضرت بقیة الله علیه السلام دارد؟ متأسفانه باید گفت حتی در حاشیه‌ی زندگی برخی از ما نیز حضور آقا لمس نمی‌شود. اگر یک بار کسی من و شما را به خانه‌ی خویش دعوت کند و بر سر سفره‌ی خویش بنشاند و به اصطلاح نمک گیرمان کند، سعی می‌کنیم به هر نحو ممکن، این محبت او را تلافی کنیم. چگونه است که عمری، خود، به همراه خانواده و بستگان و هم‌وطنان و هم‌نوعان و... همه‌ی مخلوقات خدا، مهمان خوان کرم امام عصر علیه السلام هستیم، ولی حق نمک را ادا نمی‌کنیم؟!

متأسفانه اطلاعات و آگاهی بعضی نوجوانان و جوانان شیعه از زندگی برخی ورزش‌کاران اروپایی و چهره‌های به اصطلاح هنری و گاه علمی داخلی و خارجی بیش‌تر از اطلاعات عمومی آن‌ها راجع به پیشوایان دین است. آیا جای امام عصر علیه السلام در زندگی فردی و اجتماعی ما خالی است؟! آشنایی اکثر شیعیان با زندگی امام دوازدهم علیه السلام ناچیز و مبهم است و فلسفه‌ی غیبت امام و شرایط ظهور آن حضرت برای آن‌ها به خوبی تبیین شده نیست... مگر از یازده امام پیشین چه قدر می‌دانند؟!

اگر چند سال باران نبارد و خشک‌سالی مزارع، کشتزارها و دام‌های ما را تهدید کند، حاضریم سر و پا برهنه، به بیابان رویم و با دل شکستگی، نماز استسقا بخوانیم؛ (هر چند، اندک احتمالی به آمدن باران بدهیم) آیا شایسته نیست دوازده قرن غیبت - که خشک‌سالی معنوی و قحطی دیانت را به دنبال داشته و سعادت دنیا و آخرت ما را تهدید کرده و دین نگه

داشتن (یعنی رستگار شدن و از عذاب جاودان در آتش جهنم رستن) را هم چون گرفتن آتش در کف دست مشکل ساخته است - ما را برای نماز جهت طلب ظهور و تعجیل فرج، به دشت‌ها و صحراها بکشاند؟ این کاری بود که بنی اسرائیل کردند و جواب گرفتند. پیر و جوان و زن و کودک به بیابان رفتند و یک پارچه خلاصی خود را از ستم فرعونیان طلب کردند و خداوند متعال نیز صد و هفتاد سال از باقی مانده‌ی عذاب آن‌ها را بخشید.

آری برای امور شخصی و منافع دنیوی - اگرچه احتمال اجابت ضعیف باشد - دست به دعا می‌شویم؛ اما برای رسیدن وقت ظهور و تسریع امر فرج - با آن همه سفارش‌ها که ائمه‌ی معصومین علیهم السلام راجع به تأثیر دعا در جلو افتادن زمان ظهور به ما کرده‌اند - کم‌تر دعا می‌کنیم! برخی نیز وقاحت را به آن جا می‌رسانند که دعا کنندگان برای ظهور را به باد اِتهام و تمسخر می‌گیرند!

در توسلات و سفرهای زیارتی ما نیز امامان غریب است. شده است تا به حال مفاتیح الجنان را باز کرده زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام را بخوانیم و در بخش بخش آن تعمق کنیم؟ اگر به سفر عتبات عالیات برویم، چند روز در سامرا توقّف خواهیم کرد؟

مردم باید برای رسیدن به مقام قرب خداوند - تعالی -، کسب سعادت دنیا و آخرت و نجات از عذاب جاودان الهی، به در خانه‌ی اهل بیت علیهم السلام مراجعه کنند و اگر سر برتافتند به خویشتن ظلم و بادست خود موجبات هلاکت و خواری دنیا و آخرت خود را فراهم کرده‌اند.

توبه، ضرورت امروز

بشر باید توبه‌ای کند به عمق تاریخ... و شیعیان در این میان، باید توبه‌ای کنند عمیق‌تر؛ چراکه نقشه‌ی سعادت بشریت در دست آن‌هاست. در یک سخن، کلید قفل غیبت به دستان شیعه است.

در روایات مرتبط با «ظهور امام عصر» ارواحنا فداه آمده است:

«آن هنگامی که برای امام، (یارانی) به تعداد اهل بدر (۳۱۳ تن)

گرد هم آیند بر آن حضرت قیام و تغییر واجب است.»^۱

آیا در حال حاضر، در میان جمعیت بیش از شش میلیارد نفری کره‌ی

زمین، سی صد و سیزده نفر واجد شرایط فوق یافت نمی‌شوند؟

به راستی، در طول این هزار و یک صد شصت و هشت سالی که از

شروع غیبت می‌گذرد، نبایستی حدّ اقل در یک مقطع از تاریخ شیعه،

گروهی از شیعیان به فکر چاره می‌افتادند و با عزم راسخ و ایجاد

معیارهای مورد نظر این روایت در خود، ظهور مبارک امام عصر علیه السلام را

زمینه‌سازی می‌کردند تا این که عمر دوران غیبت به این درازا نمی‌کشید و

دوازده قرن غربت آن امام عزیزتر از جان به پایان می‌رسید و روزگار مردم

دنیا و به ویژه شیعیان این نبود که اکنون شاهد آن‌ایم؟

البته مخاطب این سؤال، نسل کنونی جامعه‌ی شیعه نیز هست و

۱. بحارالأنوار ۱۰۰: ۴۹. هم‌چنین، امام جواد علیه السلام فرمودند: «چنان چه ۳۱۳

نفر از اهل اخلاص آمادگی کامل داشته باشند، خداوند حضرت مهدی علیه السلام را

ظاهر می‌فرماید.» (مکیال المکارم ۱: ۱۳۸).

شایسته است هر یک از ما به تفکر و تأمل راجع به این حقیقت تلخ پرداخته از خویشتن بپرسیم:

نقش من در طولانی شده غیبت امام زمان علیه السلام یا به عکس، در نزدیک شدن ظهور آن بزرگوار چیست؟ مولای من چه انتظاری از من دارد؟ چگونه می توانم امام زمان خویش را در این عصر و زمانه یاری کنم؟

در شرمساری ما همین بس که امام زمانمان همواره به یاد ماست و ما از آن وجود مقدس غافل ایم. ما آن چنان که باید چشم به راه ظهور آن راهبر آسمانی بوده و نیستیم و در توسلات به ایشان نیز در اغلب اوقات فقط به دنبال رفع حاجات و حل مشکلات شخصی خویش هستیم ولی؛ آن بزرگوار، چشم انتظار بیداری ما از خواب غفلت است.

آیا وقت آن نرسیده است که باور کنیم پیشوای نجات بخش ما زنده است؟ آیا هنگام آن نرسیده است که خود باور کنیم و این باور را به دیگران عرضه بداریم که چاره‌ای جز پناه بردن به آستان مبارک محبوب نداریم؟

سر اردت ما و آستان حضرت دوست

که هرچه بر سر ما می رود ارادت اوست
اری باور کنیم همه و همه در آن محضریم و آن پیشوای مهربان از ما به ما نزدیک تر است.

دوست نزدیک تر از من به من است

وین عجب بین که من از وی دورم

یقین داشته باشیم که امام عصر علیه السلام ما را از خود ما بهتر می شناسد. هر

عملی که از ما سر می زند در معرض نگاه اوست. هر سخنی که بر زبان جاری می کنیم - پیش از آن که خود بشنویم - به سمع مبارک حضرت او می رسد. مگر پدران بزرگوارش فرمودند که:

«اگر لبانتان را در خانه هاتان تکان دهید، منظورتان را

می فهمیم.»^۱

چگونه است که معتقدیم صحیفه‌ی اعمالمان هر هفته به آن عزیز عرضه می شود و ما را می بیند؛ اما این باور ما را از ارتکاب لغزش‌ها باز نمی دارد؟! شما را به خدا سوگند! اگر کودکی شاهد اعمال ما باشد، آیا در نوع رفتار و کردارمان پروا نمی کنیم و حتی تغییر نمی دهیم؟ این چه جسارتی است که در محضر شاهد و ناظر الاهی از خود نشان می دهیم؟! ما او را نمی بینیم، و نمی شناسیم؛ اما او که ما را می بیند و می شناسد و بر اعمال و احوال ما اشراف دارد. راستی، اگر به حضور امام زمان علیه السلام در این دنیا یقین پیدا کنیم و در همه‌ی آنات خود را در حضور او ببینیم و وی را آگاه بر اعمالمان بدانیم، آیا باز هم قصور و کوتاهی و لغزش خواهیم داشت؟

یک چشم زدن غافل از آن شاه نباشید

شاید که نگاهی کند، آگاه نباشید

باور کنیم هر فضیلت و کمال و نعمتی در عالم هست، به میمنت ولیّ الله الأعظم ارواحنا فداه است؛ چه او واسطه‌ی فیض است در عالم وجود.

۱. این روایت و تعبیر مشابه را بارها و بارها صاحب مکمال المکارم در کتاب

خویش مورد استناد قرار می دهد.

باری، شیطان در کمین شیعیان آخرالزمان نشسته است تا آنها را نیز، چون آدم و حوّا از بهشت براند. مبادا به کید ابلیس، ما را از بهشت امامت^۱ برانند!... مؤمن که از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود!

بیاییم امام زمانمان را تنها نگذاریم

نکند ندای «هَلْ مِنْ مُعِین؟» امام زمان ارواحنا فداه در کربلای غربت و غیبت او بی لیبک بماند! مبادا هلهله‌ی اهل کوفه صدای غربت حجة بن الحسن علیه السلام را به گوش ما نرساند! نکند قربۀ اِلی الله، بقیۀ الله را تنها رها کنیم!...

به خدا، غم‌های تاریخ عالم او را بس است. فرق شکافته‌ی علی مرتضی علیه السلام، پهلوی شکسته‌ی حضرت زهرا علیه السلام، جگر پاره‌ی امام مجتبی علیه السلام، سر بر بالای نی شهید نینوا علیه السلام، حنجر بریده‌ی علی اصغر علیه السلام، زخم اسارت زینب کبری علیه السلام... - که جز با ظهور مداوا نمی شود - برای مالا مال کردن قلب نازنیش از درد و غم کافی است.

خوشا به حال آنان که هم اینک نیز در محضر خورشیدند! میان ما

۱. امام صادق علیه السلام به کسی که در مجلس آن حضرت آرزوی بهشت کرد فرمود: «شما (اکنون) در بهشت‌اید. پس از خداوند بخواهید شما را از بهشت بیرون نکند.» گفتند: جان‌های ما به فدای شما، ما در دنیا بییم (هنوز به بهشت وارد نشده‌ایم)! فرمودند: «آیا شما به امامت معترف نیستید؟» گفتند: چرا، فرمودند: «بهشت همین امامت است که هر کس به آن اقرار آورد در بهشت است. پس از خداوند بخواهید تا این را از شما نگیرد.» بحارالأنوار ۶۸: ۱۰۲.

مهجوران و آن حجّت خدا اما، جز نفسانیت، حجابی نیست. آری، ابرهای تیره‌ی غفلت و معصیت است که خورشید جمالش را از تیررس نگاه ما پنهان داشته است.

ما از غیبت سخن می‌گوییم، ظاهراً، ظهور را به انتظار نشسته‌ایم؛ ولی آنان که بریده از خاک، بر فراز ابرهای تعلّقات در پرواز و حرکت‌اند خورشید را نظاره می‌کنند.

ضمیر جهانیان به نزدیکی ظهور گواهی می‌دهد. «الله‌الله...! لایسبئَنَّکم...!» نکند از ما پیشی بگیرند! نکند فطرت‌های پاک و عدالت‌طلب جهان در استقبال از موعود و بیعت با امام عصر ارواحنا فداه از ما پیش افتند!

﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾!

در میان سلسله‌ی انبیا، آنان که شوق و دل‌دادگی خود را به یوسف زهرا علیها السلام زودتر اظهار کردند درخشش مدال «اولوالعزم»^۱ را بر سینه‌هاشان

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است:

«وقتی خداوند در عوالم ارواح و قبل از این جهان، از پیامبران، پروردگاری خویش و نبوت حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت حضرت علی علیه السلام و جانشینان ایشان را پیمان گرفت، به آن‌ها فرمودند: ...مهدی همان است که به وسیله‌ی او دینم را نصرت می‌دهم و دولت‌م را آشکار می‌گردانم و از دشمنانم انتقام می‌گیرم و همه - خواهی نخواهی - تسلیم من خواهند شد...

قصد و عزیمت استوار برای پیامبران اولوالعزم در باره حضرت مهدی (ارواحنا فداه) ثابت گردید؛ ولی آدم نه انکار کرد و به اظهار قبول (یعنی در خضوع و اظهار سُروور و شوق نسبت به عظمت مقام آن منجی انسان‌ها، اندکی دیر جنید). این بود که از درجه‌ی صاحب عزم بودن افتاد. «کافی ۲: ۸» (کتاب

دیدند.

هفتاد و دو تن شهیدان کربلا را - که «هل من ناصرٍ ينصرُنِي» مولایشان را لَبَّیک گفتند و ثابت قدم ایستادند - نگاه کنید؛ چه حسرتی بر دل عالم و آدم گذاشته‌اند!!

... اما هنوز فرصت باقی است. باید برای یاری امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ و قرار گرفتن در ردیف انصار آن حضرت شتاب کرد. خواه ناخواه و به یقین، یاران و انصار او گل چین خواهند شد.

بیاییم امام زمان خود را دوباره بشناسیم!

بنابر اعتقادات شیعه، سعادت واقعی و دین داری حقیقی تنها و تنها از مسیر معرفت اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و انجام دستورات آنان حاصل می‌شود تا آن جایی که اگر کسی عمل هفتاد پیغمبر را داشته باشد، اما ولایت امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ و اولاد طاهرینش را نداشته باشد، هیچ عملی از او پذیرفته نخواهد شد. در این میان، بر معرفت نسبت به امام هر زمان به عنوان راه رهایی از مرگ جاهلی تأکید شده است و حدیث متواتر و مشهور بین شیعه و اهل تسنن که:

«هر کس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلی از

دنیا رفته است.»^۱

ناظر بر این معناست. یکی از نکات قابل برداشت از این روایت آن

الإيمان والكفر، بابٌ آخرٌ منه ۳، ح ۱). برای توضیح بیشتر، رک. علل الشرایع: ۱۲۲ (باب ۱۰۱، ح ۱ و ۲) و تفسیر کنزالدقائق ۶: ۳۲۶.

۱. مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

است که اگر به فرض، کسی در این زمانه به یازده امام معرفت و ارادت داشته باشد؛ اما نسبت به کسب معرفت، ارادت و محبت نسبت به دوازدهمین ایشان کوتاهی کند، باز به مرگ جاهلیت از دنیا خواهد رفت و از آن جا که امامت از اصول دین است و تقلید در آن جایز نیست هر کس مکلف است به دنبال شناخت امام زمان خویش باشد تا از مرگ جاهلی برهد و بتواند در شب اول قبر و فردای قیامت پاسخ گوی اعتقادات خویش و نعمت امامت باشد.

معرفت امام عصر ارواحنا فداه دانستن نام و نسب و تاریخ و مکان ولادت ایشان نیست - گرچه در این وادی عقل ها سرگردان و اندیشمندان متحیرند - همگان مکلف شده اند به قدر وسع، در مسیر معرفت و محبت و اطاعت از امام زمان خویش گام بردارند.

گرچه وصالش نه به کوشش دهند

آن قدر - ای دل - که توانی، بکوش

در این بیان قدری تأمل کنید:

میلیاردها مثل شیخ طوسی و شیخ انصاری، ارزش یک نفس امام زمان ارواحنا فداه را ندارند.^۱

از آن جایی که شخصیت امام عصر علیه السلام، اوصاف، کمالات و جایگاه آن جناب به درستی در میان عموم تبیین نشده است، متأسفانه اندوخته‌ی ذهنی بسیاری از مردم با مقام و منزلت حقیقی آن حضرت متناسب

۱. سخن رانی آیه الله وحید خراسانی در جمع دانش پژوهان مرکز تخصصی

نیست، حتی شاید تصوّر برخی جوان‌ها و نوجون‌ها از امام عصر علیه السلام - العیاذ بالله - چیزی مثلاً یک سر و گردن بالاتر از یک مرجع تقلید است؛ در حالی که امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

«امام یگانه‌ی روزگار خویش است. هیچ‌کس (در مقام) به (منزلت) او نزدیک نمی‌شود و هیچ عالمی با او برابری نمی‌کند. جای گزینی برای او پیدا نمی‌شود و شبیه و مانند ندارد.»^۱

در روایات متعدّدی از ائمه‌ی معصومین علیهم السلام بر این حقیقت تأکید شده است که اهل بیت علیهم السلام با هیچ‌کس قابل مقایسه نیستند و اصولاً قیاس میان آن خاندان آسمانی با دیگران جایز نیست.^۲

فرض کنیم کسی عظمت امام عصر علیه السلام را در مقام سنجش با دیگران، هم چون عظمت کهکشان‌ها در برابر ذره‌ای ناچیز بداند یا امام علیه السلام را به اقیانوس و دیگران را به قطره‌ای تشبیه کند یا آن حضرت را خورشید و دیگران را شمع بداند؛ در هر حال راه خطا پیموده است. امام معصوم با هیچ چیز و هیچ‌کس قابل قیاس نیست.

در سال‌های حیات مرحوم آقای حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی مرجع تقلید فقید شیعه، روزی نام آن فقیه بزرگ را در هنگام دعا کنار نام مقدّس امام عصر علیه السلام یاد کردند. آن مرد خدا سخت برآشفته و با خشم و ناراحتی بانگ زد:

۱. اصول کافی ۱: ۲۰۰ (کتاب الحجّة، باب نادر جامع فی فضل امام و صفاته ح

(۱)

۲. رک. بحار الأنوار ۲۲: ۴۰۶ و ۲۳: ۱۱۷.

بگویید ساکت باشد! من که ام که نام مرا در کنار اسم مقدس امام زمان علیه السلام یاد کنند؟!

یکی از معضلات کنونی جامعه‌ی ما آن است که افراد و گروه‌های مختلف، با طرح برخی مباحث فلسفی، مکاتب اجتماعی، موضوعات سیاسی، صوفیگری، عرفان بازی، چاپ کتاب‌های متنوع و رنگارنگ و... از خداشناسی و راه‌های مختلف رسیدن به خدا دم می‌زنند و امر را بر نوجوانان مشتبه می‌سازند؛ درحالی که مطابق آموزه‌های مکتب آسمانی و جامع تشیع، در هر عصر «باب الله» فقط و فقط امام آن عصر و زمان است و هر راهی جز او برای رسیدن به حق متعال و کسب رضایت پروردگار مسدود است^۱؛ زیرا خدای -تبارک و تعالی- اراده فرموده است که تنها راه وصول بندگان به بارگاهش، اهل بیت پیامبر علیهم السلام باشند و هر کس بخواهد به دل خواه خود و مطابق هوای نفس و سلیقه‌ی خویش، جز از راه خاندان وحی و اتصال باطنی به امام زمانش، به خدا برسد آب در هاون کوبیده است و نه تنها اجر و پاداشی در نزد پروردگار بزرگ ندارد که مورد غضب الاهی واقع و به آتش قهر خداوندی معذب خواهد شد.

کسی از حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام پرسید: معرفت خدا چیست؟ فرمودند:

«این که اهل هر زمانی امام خود را بشناسد که اطاعت از او بر ایشان واجب است.»^۲

۱. بکم یسلک الی الرضوان و علی من جحد ولایتکم غضب الرّحمان (از زیارت جامعه کبیره)
 ۲. بحارالأنوار ۲۳: ۸۳.

در بنی اسرائیل خانواده‌ای بودند که اگر هر کدام آن‌ها چهل شب به درگاه خداوند دعا می‌کرد، خواسته‌اش اجابت می‌شد. یکی از آن‌ها پس از چهل شب، دعایش مستجاب نشد. به خدمت حضرت عیسی علیه السلام رسید و علّت را پرسید. حضرت مسیح علیه السلام فرمود: «خداوند متوسّل شد. وحی آمد:

«ای عیسی! بنده من از غیر از آن دری که باید به نزد من بیاید به نزد من آمده است. او در حالی مرا خوانده است که در دل نسبت به تو شک دارد. بنابراین، اگر آن قدر مرا بخواند تا این که گردنش قطع شود و انگشتانش بیفتد، من او را پاسخ نخواهم داد.»^۱

در همین راستاست که در زیارت آل یاسین، پس از ادای سوگند به ولایت و امامت یازده امام علیهم السلام به طور جداگانه، گواهی و شهادت خاصی به ولایت و امامت امام عصر علیه السلام اعلام می‌کنیم، زیرا در این زمان، صراط مستقیم، شاه راه سعادت، کشتی نجات، امین خداوند، آیت بزرگ الهی، جانشین و خلیفه‌ی خداوند در زمین، وصی خداوندگار، ولی حق، حبیب پروردگار، حق مطلق، مخزن علوم الهی، وارث علم و کمالات همه‌ی انبیا، راه خدا، دست خدا، چشم خدا، زبان خدا^۲، قلب خدا^۳، حجّت خدا، نور خدا، وجه خدا، وعده‌ی خدا، سرّ خدا و حافظ

۱. کافی ۲: ۴۰۰ (کتاب الایمان و الکفر، بابُ الشُّک، ح ۹).

۲. نحن حجّة الله و نحن باب الله و نحن لسان الله و نحن وجه الله و نحن عين الله في خلقه و نحن ولاة امر الله في عباده. (اصول کافی ۱: ۱۴۵)

۳. از کلمات امیرمؤمنان علیه السلام است که فرمود: انا قلب الله الواعي.

اسرار الاهی، فریاد رس و پناه امت، واسطه‌ی فیض و پرچم هدایت، کلمه الله، حبل الله المتین، ولی مؤمنان، ولی نعمت مردمان، امان زمین، صاحب الزمان، وجود مقدس حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا فداه است که در زیارت آن حضرت می‌خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ اللَّهِ الَّذِي مَن سَلَكَ غَيْرَهُ

هَلَكَ.»^۱

«سلام بر تو ای راه خداوندی که هر کس به آن نرود تباہ و هلاک

می‌شود.»

در گوشه‌ی دیگری از زیارت آن حضرت در مفاتیح الجنان آمده است:

«أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتَكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ وَتُزَكَّى الْأَفْعَالُ
وَتُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ وَتُمَحَى السَّيِّئَاتُ. فَمَنْ جَاءَ بِبَوْلَايَتِكَ
وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قَبِلْتُ أَعْمَالَهُ وَصَدَّقْتُ أَقْوَالَهُ وَتَضَاعَفَتْ
حَسَنَاتُهُ وَمُحِيَّتْ سَيِّئَاتُهُ، وَمَنْ عَدَلَ عَنِّي وَبَوْلَايَتِكَ وَجَهَلَ
مَعْرِفَتَكَ وَاسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ كَبَّهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ
وَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا وَلَمْ يُعَمِّمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا.»

«من گواهی می‌دهم که با ولایت تو اعمال پذیرفته می‌شود و

کارها پاکیزه می‌گردد و نیکی‌ها دو چندان و بدی‌ها محو و نابود

می‌شود. اعمال و کردار هر که به ولایت تو معتقد و به امامت تو

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام، عبارتی از اذن دخول

سرداب مطهر؛ بحارالانوار ۱۰۲: ۱۱۷.

معترف باشد پذیرفته است و گفتارش تصدیق شود و حسناش دو چندان آید و بدی هایش نابود شود و هر که از ولایت تو سر پیچد و از معرفت تو نادان باشد و دیگری را به جای تو پیشوا بپذیرد، خداوند با صورت در آتش جهنم سرنگونش کند و از او هیچ عملی را نپذیرد و در روز قیامت در میزان عمل، وزنی برایش به شمار نیارد.»^۱

باید با تمام وجود از درگاه خداوند متعال، معرفت خدا و رسول و حجّتش را طلب کنیم و خود را در معرض انوار شناخت و آگاهی قرار دهیم... اگر آن وجود نازنین را - آن سان که شایسته است - بشناسیم، از ابراز محبت و انجام وظیفه‌ی خویش در قبال آن ولیّ خدا و دلیل حقّ غافل نخواهیم شد. آن وقت است که از فرزند و پدر و مادر و... دوست داشتنی ترش خواهیم یافت.

اگر اکنون چنین محبتی را به پای آن جناب نمی‌ریزیم، از معرفت ناقص ماست. در انجام وظیفه کوتاهی می‌کنیم؛ چون نمی‌شناسیم. به این وسیله‌ی ارتباطی بین خالق و مخلوق تمسّک نمی‌جوئیم؛ چون معرفت نداریم. در امور خویش به اسباب ظاهری دل می‌بندیم؛ اما از آن وجود مبارکی که سبب اتصال میان زمین و آسمان است غافل ایم. از این روست که مداومت بر خواندن این دعای شریف در دوران غیبت را تأکید کرده‌اند:

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ...»^۱

خود را می‌گویم... باید از الف بای امامت آغاز کنم!

دعا برای تعجیل فرج

در میان جامعه‌ی شیعه و معتقدان به آن بزرگوار باید غفلت زدایی کرد و «اعتیاد به غیبت امام زمان ارواحنا فداه و خو گرفتن به غفلت از وجود امام زنده و حاضر و شاهد و ناظر» را هشدار داد و لزوم درمان این اعتیاد را گوش زد کرد.

۱. امام صادق علیه السلام به زراره فرمود:... او (حضرت مهدی علیه السلام) همان است که انتظارش را باید کشید و خداوند تبارک و تعالی دوست دارد شیعیان را به وسیله‌ی او امتحان کند و در این امتحان است که اهل باطل دچار شک و تردید می‌شوند و بر عقیده‌ی خود ثابت نمی‌مانند. زراره پرسید: فدای شما شوم؛ اگر آن زمان را درک کردم چه کنم؟ آن حضرت فرمود: ای زراره! اگر به آن دوران رسیدی همواره این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.

پروردگارا! خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر مرا با خودت آشنا نکردی نمی‌توانم پیغمبرت را بشناسم. خداوند! فرستاده‌ی خود را به من بشناسان که اگر او را به من نشناسانی نمی‌توانم نماینده و جانشین او را که حجّت تو است بشناسند. خدایا! حجّت خود را به من بشناسان که اگر او را به من نشناسانی در

دین خود دچار گمراهی خواهی شد. (کمال الدین ۲: ۳۴۲)

اگر دوران غیبت را برای امام زمان ارواحنا فداه زندان و برای قاطبه‌ی شیعه نیز - که از درک آن حضور آسمانی محروم‌اند - محرومیت خود ساخته از بزرگ‌ترین نعمت الاهی بدانیم و زندگی بی امام را «زندگانی» ندانیم، آن‌گاه از صمیم قلب و سوز سینه، ظهور آن حضرت را از خداوند طلب خواهیم کرد؛ زیرا مانع اصلی ظهور آماده نبودن مردم است. شاید نیز ویژگی پرشدن دنیا از ظلم و جور از آن رو باشد که با کثرت ستم و بیداد، مردم جهان به وضوح دریابند که حقوقشان چگونه پای مال می‌شود و بفهمند اصلاح امورشان از توان و عهده‌ی بشر عادی خارج است و این خود زمینه ساز پناه بردن آنان به دامان پُر مهر و عدالت گستر امام عصر ارواحنا فداه خواهد شد. البته این آگاهی و طلب و درخواست در قالب «دعا» به درگاه خداوند متجلی می‌شود و عینیت می‌یابد.

دعا؛ اظهار عجز و ناتوانی مطلق بندگانِ ناچیز در برابر پروردگاری است که اقدُر القادرین و فعال مایشاء است و درخواست گشایش و اجابت از آستان اوست. هر کجا سخن از ظهور و تعجیل فرج است، سخن از دعاست. بی‌گمان، دعا برای تعجیل فرج در ظهور آن حضرت اثر قطعی دارد و اگر جز این بود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام از طریق روایات بسیار، ما را به آن امر نمی‌کردند. پس بر ماست که برای ظهور، دست به دعا برداریم و لحظه‌ای از رحمت و اسعه‌ی پروردگار مأیوس نشویم و به همان صورت که در امور فردی و حوائج و گرفتاری‌های شخصی و خانوادگی تا به اجابت رسیدن دعا و گشایش، مضطرانه از طلب و خواهش و تمنّا و التماس به درگاه خدا و توسّل به

حضرات معصومین علیهم السلام دست بر نمی‌داریم، در این امر حیاتی نیز - که کلید حلّ تمام مشکلات معنوی و مادی ما و همه‌ی جهانیان است - همت فرو نگذاریم و اگر تا کنون سهل‌انگاری و کوتاهی نموده‌ایم، فرصت برای جبران باقی است. آری،

دست از طلب ندارم تا کام من برآید

یا تن رسد به جانان یا جان زتن برآید

سید بن طاووس رحمته الله علیه - که از بزرگان علمای شیعه است و بارها و بارها توفیق تشرّف به محضر مقدّس امام عصر ارواحنا فداه را پیدا کرده و از ناحیه‌ی آن عزیز، به دریافت خطاب «فرزندم!» مفتخر گردیده و بر اسم اعظم واقف و بر اسرار آگاه بوده است - هشت سده پیش، خطاب به فرزندش می‌نویسد:

بدان که اهمّ حوایج، خواسته‌های آن کس است که تو در پناه هدایت و حمایت او به سر می‌بری و آن امام زمان توست. پس باید نماز و روزه و دعای تو اوّل جهت قضای حوائج آن حضرت باشد و بعد خواسته‌های خودت... آن چه را به تو گفتم عمل کن که حقیقتی است روشن و کسی که در مورد مولا سهل‌انگاری کند و در آن سستی ورزد و از آنچه بیان کردم غافل شود - به خدا سوگند - در اشتباه است؛ اشتباهی که مایه‌ی ننگ و عار است! آیا تا به حال اندیشیده‌ای که امامان پاک و هدایتگر ما چگونه به این موضوع اهمّیت داده‌اند؟ آیا تا کنون نسبت به این امر مهمّ، اعتنایی کرده‌ای؟ باز تکرار می‌کنم: با توجّه به آنچه بیان کردم، عذری برای تو در اهمّیت ندادن به دعا برای تعجیل ظهور باقی

نمی‌ماند.^۱

در مجموع باید گفت: دعا برای فرج در پیش افتادن ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام اثر قطعی دارد و شرط وفاداری، محبت، معرفت و دیانت آن است که هر شیعه‌ای برای تعجیل در فرج امام زمان خویش دعا کند.

آثار شگفت‌انگیز دعا برای فرج

یکی از عالی‌ترین کتاب‌هایی که برکات و آثار دعا برای تعجیل فرج و تکالیف شیعیان و محبان امام عصر ارواحنا فداه را در عصر غیبت آن بزرگوار در مجموعه‌ای ارزنده و بی‌نظیر، گردآورده است، کتاب شریف مکیال‌المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام است. این کتاب به امر مبارک امام زمان ارواحنا فداه تألیف شده و حتی نام آن نیز به انتخاب آن حضرت است. مطالعه‌ی این اثر جامع که به فارسی ترجمه شده و سرشار از نکات ظریف و لایبی و معرفتی است برای عاشقان آستان مهدوی بسیار پُر فایده و امیدبخش است.

در جلد اول این کتاب مؤلف محترم رحمته الله با استفاده از آیات و روایات، برای دعا جهت تعجیل فرج امام زمان علیه السلام، ۱۱۰ فایده و اثر بر شمرده است، مادر این جا، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- بهترین و محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند و مایه‌ی خرسندی پروردگار متعال و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.
- باعث آمرزش گناهان و تبدیل سیئات به حسنات است.

۱. فلاح السائل: ۴۴.

- تعظیم و اجابت دعوت خداوند متعال و رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

- رستگاری به شفاعت پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام زمان ارواحنا فداه را به دنبال دارد.

- وفای عهد و پیمان الاهی و آدای اجر رسالت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

- موجب اجابت دعا و دفع بلا و عقوبت و نزول نعمت و وسعت روزی است.

- مایه‌ی نایل شدن به دیدار دل آرای آن حضرت در بیداری یا خواب است.

- سبب بازگشت و رجعت به دنیا در زمان ظهور است.

- باعث زیاد شدن نور امام زمان ارواحنا فداه در دل است.

- ایمنی از عذاب و عقوبت آخرت را موجب می‌شود.

- در حکم یاری خداوند متعال است.

- مایه‌ی طول عمر است.

- دعا کننده را به ثواب طلب علم نائل می‌کند.

- خواهنده را با امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام محشور خواهد کرد.

- دعای امام زمان ارواحنا فداه را در حق دعا کننده به دنبال خواهد داشت.

- دعا کننده را نزد خداوند متعال و رسول او، محبوب‌ترین خلائق خواهد کرد.

- دعای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و داخل شدن به بهشت با ضمانت آن حضرت را

باعث می‌شود.

- اجر کمک به مظلوم را دارد (آن هم مظلوم‌ترین فرد عالم).
- ثواب خون خواهی حضرت سیدالشهدا علیه السلام را دارد.
- قبول شفاعت دعا کننده در باره‌ی هفتاد هزار گناه کار را موجب خواهد شد.
- روز قیامت دعای امیرالمؤمنین علیه السلام در حق دعا کننده را به همراه خواهد داشت.
- خواننده‌ی خود را بی حساب وارد بهشت می‌سازد.
- موجب خراش بر چهره‌ی پلید ابلیس است.
- از تشنگی روز قیامت امان است.
- فرشتگان در مجلسی که برای تعجیل فرج دعا می‌شود حاضر می‌گردند.
- ثواب شهادت در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و زیر پرچم حضرت مهدی علیه السلام را دارد.
- مقام دعا کننده را در روز قیامت از همه‌ی شهیدان بالاتر می‌برد.
- دعا کننده را مشمول شفاعت حضرت صدیق‌یه‌ی طاهره علیه السلام می‌گرداند.
- غم‌های دعا کننده را در دنیا و آخرت از بین می‌برد.
- دعای فرشتگان را در حق دعا کننده سبب می‌شود.
-

این حقیقت که دعا برای تعجیل فرج آن حضرت در زودتر فرار سیدن ظهور، اثر کامل دارد هشدار عجیبی است به مؤمنان در زمان غیبت که اگر

نجات و سعادت خویش و فرج مولای خود را از خدا می‌خواهند، راهی را که پیشوایانشان پیش روی آن‌ها نهاده‌اند بشناسند و جدی بگیرند و در پیمودن آن تلاش و کوشش نمایند.

دعا برای ظهور امام منتظر مؤثرترین و ارزنده‌ترین عملی است که از عهده‌ی همه‌ی شیعیان در هر موقعیت و در هر زمان و مکان برمی‌آید و هیچ عذر و بهانه‌ای در فروگذاردن و غفلت از آن پذیرفته نیست. یقیناً معتقدان به ولایت حجت خدا، متناسب با مقام و منزلت اجتماعی و نفوذ و قدرت سیاسی و توان علمی و فکری و تمکن مالی خویش، در برابر آن حضرت مسؤولیت دارند.

جهاد مالی در راه امام عصر علیه السلام فریضه‌ای فراموش شده

از جمله‌ی مواردی که تذکر آن لازم و پرداختن به آن در حال حاضر، ضروری است «نصرت مالی» امام زمان علیه السلام است. متأسفانه علی‌رغم نیاز شدید جامعه‌ی شیعه و مردم جهان برای خواندن و شنیدن و دانستن از امام غائب، معارف مربوط به آن موعود جهانی به اندازه‌ی کافی در دست رس همگان نیست. البته در گوشه و کنار هستند افرادی یا مؤسساتی که در جهت آشنا کردن مردم با حجت زنده‌ی پروردگار فعالیت خالصانه داشته و دارند؛ اما آن چه تا کنون انجام می‌شود به نسبت آن چه باید، بسیار کم و ناچیز است.

تأسف‌بارترین که امروزه شاهدیم که دشمنان اهل بیت علیهم السلام به ویژه برخی فرقه‌های گم راه با صرف مبالغ کلان در بسیاری از کشورهای

اسلامی و حتی در برخی مناطق مرزی کشور ما، افکار و اندیشه‌های باطل خویش را ترویج می‌کنند؛ ولی ما - که دل دادگان خاندان عصمت و طهارت‌ایم - از وظیفه‌ی مهمّ تبلیغ غافل مانده‌ایم، خداوند - تبارک و تعالی شأنه - در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُفْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعَفَهُ لَهُ
أُضْعَافًا كَثِيرَةً﴾^۱

«کیست که خدا را وام نیکو دهد تا خدا بر او چندین برابر

ببازاید؟»

همه‌ی ما تا کنون این آیه‌ی شریفه را بر پیشانی بانک‌ها یا مؤسسات قرض‌الحسنه و خیریه دیده‌ایم؛ تنها برای جلب توجه علاقه‌مندان و تشویق آنان برای افتتاح حساب و سرمایه‌گذاری در کارهای خیر (!) غافل از آن‌که این اعلام عمومی خداوند - تعالی - برای حرکت انسان‌ها در مسیر معرفت، محبت و ولایت خلیفه‌ی خدا در روی زمین است؛ چراکه وقتی از امام صادق عجل الله فرجه درباره‌ی این آیه‌ی شریفه سؤال شد. آن حضرت فرمودند:

«(این آیه) درباره‌ی پیوند با امام نازل شده است.»^۲

هم چنین در حدیثی دیگر می‌فرمایند:

«خداوند از روی نیاز به آن‌چه مردم در اختیار دارند قرض نخواسته

۱. سوره بقره (۲): ۲۴۵.

۲. اصول کافی ۱: ۵۳۷ (کتاب الحجّة باب صلة الامام ۱۲۹ ح ۲ و ۴).

است! هر حقی که خداوند دارد از آن ولی اوست.»^۱

نیز آن حضرت به یکی از یاران خویش فرمودند:

«ای میّاح، یک درهم که با آن، با امام پیوند ایجاد شود از کوه اُحد

وزن (و ارزش) بیش تر دارد.»^۲

مرحوم موسوی اصفهانی رحمته الله مؤلف کتاب وزین «مکیال المکارم فی

فوائد الدعاء للقاء علیه السلام»، - وقتی به تکالیف عصر غیبت اشاره می کند - سی

و پنجمین تکلیف شیعیان را صله‌ی مال به آن حضرت می شمرد و ضمن

استناد به روایات فوق و احادیث متعدّد دیگر در این باب، می نویسد:

(باید) مؤمن بخشی از دارایی خود را برای امام زمانش - که سلام خدا بر او

باد - هدیه کند و همه ساله به این کار مداومت نماید و در این عمل شریف، غنی

و فقیر و مهتر و کهنتر و مرد و زن یک سانند؛ الاّ این که ثروتمند به مقدار

توانایی اش تکلیف دارد و فقیر به مقدار استطاعت خود... در روایات مقدار

معینی برای مصرف مال در این کار والا بیان نگردیده است؛ چون ظاهراً این

عمل از مستحبات مؤکّدی است که در سخن امامان علیهم السلام «فریضه» خوانده شده

است. چند گواه:

(عالم بی نظیر شیعه) مرحوم کلینی رحمته الله در (کتاب بی نظیر و شریف) اصول

کافی به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت آورده است که فرمود:

«هیچ چیزی نزد خداوند محبوب تر از اختصاص دادن درهم به

امام علیه السلام نیست. به درستی که خداوند یک درهم را برای پرداخت

کننده در بهشت هم چون کوه اُحد قرار می دهد.»

... و در خبر موثقی از آن حضرت علیه السلام آمده است:

«من گاه از شما یک درهم می‌پذیرم و حال آن‌که از متمول‌ترین اهل مدینه‌ام. مقصودم در این کار فقط این است که شما پاکیزه شوید.»

«هر کس پندارد که امام به آن چه در دست مردم هست احتیاج دارد کافر است. جز این نیست که مردم نیازمندند که امام از ایشان بپذیرد. خداوند - عزّ و جلّ - فرموده است:

﴿از اموال آن‌ها صدقه (= زکات) بگیر تا بدان پاک و پاکیزه‌شان کنی.﴾^۱

آن‌گاه، در ادامه‌ی سخن، روایت جالبی از امام صادق علیه السلام گزارش می‌کند که در فروع کافی است:

«یک درهم خرج کردن در راه حج از یک میلیون درهم در غیر آن بهتر است و یک درهم که به امام برسد مانند خرج کردن یک میلیون درهم در حجّ است.»^۲

با کمی تأمل در این گفتار، می‌توان دریافت که امروز اگر کسی به فرض «یک تومان» در راه حجّ خرج کند (البته حجّ مقبول با شرایط و آدابی که در روایات ذکر شده است!)، گویی یک میلیون تومان در سایر کارهای خیر مصرف کرده است. حال اگر همین کس «یک تومان» در راه امام عصر علیه السلام هزینه کند، همانند آن است که یک میلیون تومان در راه حجّ

۱. ترجمه‌ی مکیال المکارم ۲: ۳۵۱ و ۳۵۳، با اصلاحات اندک.

۲. ترجمه‌ی مکیال المکارم ۲: ۳۵۳.

مقبول هزینه کرده باشد. با این محاسبه‌ی ساده «یک تومان» خرج کردن در راه امام معادل هزار میلیارد تومان در سایر کارهای خیر است و البته نباید باعث تعجب گردد؛ چرا که این با اعتقادات شیعه هم خوانی کامل دارد.

ما معتقدیم خداوند - تبارک و تعالی - تمام عالم هستی اعم از کهکشان‌ها، کرات آسمانی، موجودات، فرشتگان، انس و جن و... را به خاطر اهل بیت علیهم السلام آفریده است و اصلاً انسان‌ها خلق شده‌اند که مسیر اطاعت خداوند را از طریق معرفت به امام زمان خویش و اطاعت از وی بشناسند و پیدا کنند و از این روست که معرفت امام و شناساندن امام این اندازه قدر و قیمت می‌یابد و مؤمنان باید این نویدها را جدی بگیرند و بدان عمل کنند.

متأسفانه عمل به این سنت حسنه در میان ما شیعیان به صورت فرهنگ در نیامده و نهادینه نشده است. اینک شایسته است منتظران و عاشقان حضرت بقیة الله ارواحنا فداه در جهت احیای این سنت - که از ضروری‌ترین و مؤثرترین شیوه‌های یاری امام عصر علیه السلام در این برهه از زمان است - گام‌های جدی و عملی بردارند.

بارها دیده‌ایم که وقتی عضوی از یک خانواده از دنیا می‌رود، میلیون‌ها تومان صرف برگزاری مراسم متعدد او می‌شود و این هزینه در بسیاری از موارد صرف خرید گل، اطعام میهمانان و... می‌گردد. این درحالی است که بسیاری از مدعوین فقط برای تسلی خاطر بازماندگان یا انگیزه‌های دیگر اجتماعی در مراسم بزرگداشت متوفی حاضر می‌شوند

و اصلاً نیازی به صرف یک وعده غذا در این مراسم ندارند. آیا بهتر نیست حداقل درصدی از این هزینه‌های زیاد صرف تبلیغ فرهنگ اهل بیت علیهم السلام شود؟ آیا ارواح گذشتگان ما از این بابت راضی‌تر نخواهند شد؟

این مثال در سایر عرصه‌ها نیز قابل تعمیم است. حتی در مراسم و جشن‌های نیمه‌ی شعبان نیز در کنار توزیع شیرینی، چراغانی، اطعام و...، باید برای تغذیه‌ی فکری و ارتقای سطح معرفت و آشنا ساختن مردم با فضایل آن حضرت و نیز یاد آوری طولانی شدن غیبت، غربت و مظلومیت آن بزرگوار، اهتمام جدی به عمل آورد و حتی بدین مسئله اولویت بیش‌تر داد؛ زیرا کسب معرفت نسبت به آن جناب و آشنایی با وظایف شیعه در قبال آن آستان و ارجاع شیعیان به شؤون امامت آن بزرگوار، از شیرین کردن کام محبان آن حضرت با نقل و شیرینی مهم‌تر است که لحظاتی بیش‌تر دوام ندارد و از سیر کردن شکم‌های آنان برای چند ساعت!

از جمله‌ی بهترین کارها در این وادی، تألیف و انتشار کتاب‌های آگاهی‌بخش و بیدارکننده‌ی راجع به امام زمان علیه السلام و تولید محصولات فرهنگی مرتبط با آن امام همام است که سبب برقراری و پیوند و تمسک به آن منجی منتظر گردد.^۱

۱. البته با نثری استوار و با شناخت مخاطب و زبان او و با تعمق و اندیشه‌وری و اخلاص و پرهیز از سست‌نویسی و سطحی‌نگری و فضل‌فروشی و رونویسی و شتاب‌آلودگی و شهرت‌جویی و ادعا آمیزی و دکان‌سازی!

آنان که امکان تألیف و نشر ندارند حداقل مسائل مالی این آثار را تأمین کنند تا با نشر این آثار ارزنده و ایجاد شوق مطالعه در مخاطبان معرفت جو، بذر محبت اهل بیت، علیهم السلام و به ویژه آن موعود مهرگستر را در دلها بکارند و با این خدمات تبلیغی و فرهنگی، از ثواب عظیمی که در روایات به آن اشاره شده است بهره‌مند گردند و موجبات جلب عنایات امام عصر علیه السلام را به سوی خود فراهم سازند پس شناساندن امام به دیگران فقط وظیفه‌ی مبلّغان رسمی دین نیست؛ اگر چه آنها در این میان وظیفه‌ای بس سنگین و دشوار پیش رو دارند.

امام حسن عسکری علیه السلام از امام السّاجدین علیه السلام نقل فرموده‌اند: خداوند - تعالی - به موسی علیه السلام وحی کرد: ای موسی! مرا نزد آفریدگانم محبوب گردان و آنها را هم محبوب من کن. موسی علیه السلام پرسید: برای انجام این امر چه کنم؟ خداوند متعال فرمود:

«نعمت‌های مرا به یاد آنها بیاور تا مرا دوست بدارند. پس اگر یک بنده‌ی فراری از درگاه من یا کسی را که درگاه مرا گم کرده به من بازگردانی، برای تو بهتر است از این که صد سال عبادت کنی به طوری که روزها روزه بگیری و شب‌ها به عبادت بایستی.»

موسی علیه السلام عرض کرد بنده‌ی فراری از تو کیست؟ خداوند - تعالی - فرمود:

«شخص معصیت کار سرکش.»

موسی علیه السلام پرسید کسی که درگاه تو را گم کرده است کیست؟ خدای متعال پاسخ فرمود:

«الجاهل بامام زمانه و الغائب عنه بعد ما عرفه...»

کسی که امام زمانش رانمی‌شناسد و بعد از شناختنش از او غایب است. کسی که به آیین دین خود آگاه نیست. شریعتش را و راه بندگی پروردگارش را به او یاد بدهید و طریق جلب رضایت خدا را به او بیاموزی...»^۱

اگر کسی ادعا کند که من نه نفوذ کلام و قدرتی دارم تا حرف مرا بشنوند و نه مال و ثروتی تا در مسیر حضرتش خرج کنم و نه توانایی نگارش کتاب و مقاله و...، دست کم، این از عهده‌ی او بر می‌آید تا همواره به یاد آن حضرت باشد و با زبان خویش مبلغ و مروج امام زمانش باشد، دائماً فضای فکر و قلب و جانش را به یاد آن حضرت معطر سازد، برای تعجیل فرج آن بزرگوار دعا و دیگران را بر انجام این عمل خیر ترغیب کند.

صد البته این به معنی دست کشیدن از فعالیت‌های فردی و اجتماعی نیست؛ سخن این است که در عین عمل به وظایف، نباید از ارتباط قلبی با امام زمان خویش و دعا برای ظهور آن پیشوای پرده نشین - که مهم‌ترین وظیفه‌ی فردی و اجتماعی همه‌ی شیعیان است - غافل بود.

یقیناً تبلیغ عملی و رفتاری از تبلیغ زبانی و نوشتاری مؤثرتر است؛ تا آن جا که اگر کسی با گفتار و نوشتار خود از حجّت خدا دم بزند؛ ولی در عمل و رفتار و کردار خویش به دستورات و فرامین امامان معصوم علیهم السلام بی‌اعتنا و غیر عامل باشد چه بسا مردم را بدبین و از مقصد مورد نظر دور

و دورتر سازد. از این روست که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

مبادا عملی انجام دهید که ما به آن سرزنش شویم؛ زیرا فرزند
خطاکار با عملش باعث سرزنش پدر خود می‌شود. نسبت به کسی که
منسوب به او هستید زینت باشید و باعث بدنامی او نباشید.^۱
و در بیان دیگری می‌فرمایند:

ای جماعت شیعه! شما منسوب به ما هستید. برای زینت باشید و
مایه‌ی ننگ نباشید. مانند اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام باشید که اگر یکی
از آن‌ها در قبیله‌ای حضور داشت امام جماعت، اذان گو و امانت دار
آن‌ها می‌شد.^۲

دعای فردی و جمعی

آری دعا برای تعجیل فرج حضرت بقیة الله ارواحنا فداء از بهترین
راه‌های یاد کردن آن ذخیره‌ی آسمانی در خلوت و جلوت و به طور
خصوصی و عمومی است و نشانه‌ی ایمان است که امام موسی بن
جعفر علیه السلام فرمودند:

«وجود مبارک او از دیده‌ها پنهان می‌گردد؛ ولی یادش از دل‌های
مؤمنان فراموش نمی‌شود.»^۳

این یاد هم‌چنین باعث در امان ماندن از انحراف و هلاکت در
آخر الزمان است.

۱. بحارالانوار ۷۵: ۴۳۱. ۲. بحارالانوار ۸۸: ۱۱۹.

۳. کمال الدین ۲: ۳۶۸-۳۶۹ (باب ۳۴، ح ۶).

باید با الهام از آیات و روایات بالأخص رهنمودها و پیام‌های وجود مقدّس امام عصر ارواحنا فداه و به مصداق سخن کتاب آسمانی:

﴿تک تک و دوتا دوتا برای خدا قیام کنید﴾.^۱

در همه‌ی لحظه‌ها و خلوت خویش، با توبه و استغفار، تعجیل ظهور امام را از درگاه خداوند بطلیم و هم به طور در اماکن مقدّس، اعمّ از حرم‌های معصومین علیهم السلام، مساجد، حسینیه‌ها و جلسات مذهبی، خالصانه و صمیمانه و به هم‌راه انابه و ندبه، برای فرج منتقم آل محمد علیهم السلام دعا کنیم و ظهورش را از خدای بزرگ بخواهیم.

دعا برای تعجیل فرج را در همه‌ی لحظات به صورت خصوصی یا در اجتماعات مؤمنین خصوصاً مجالس منسوب به اهل بیت علیهم السلام باید غنیمت شمرد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«هیچ‌گاه چهل نفر برای دعا نزد هم اجتماع نکنند و خداوند - عزّ و جلّ - را در کاری نخوانند مگر این که خداوند متعال دعای آن‌ها را مستجاب می‌کند. اگر چهل نبودند و چهار بودند (نزد هم جمع شوند) و ده بار خدای - عزّ و جلّ - را بخوانند، خداوند متعال دعایشان را می‌پذیرد. اگر چهار تن هم نباشند و تنها یکی باشد که چهل بار خدا را بخواند، خدای عزیز و جبار او را اجابت فرماید.»^۲

نیز آن حضرت فرمودند:

«هر گاه پیشامدی پدرم را اندیشناک می‌کرد، زنان و کودکان را

۱. سوره‌ی سبأ (۲۴): ۴۷.

۲ و ۳. کافی ۲: ۴۸۷ (کتاب الدعاء، باب الاجماع فی الدعاء ۱۷، ح ۱ و ۳).

گرد می آورد و سپس دعا می کرد و آن ها آمین می گفتند.»^۱

عاشقان و دوست داران اهل بیت علیهم السلام عزاداران سالار شهیدان و برپا کنندگان مجالس سوگواری و شرکت کنندگان در هیئت های مذهبی باید بانند که عرض ارادت به ائمه ی اطهار علیهم السلام، چه در ایام غم و چه در روزهای شادی اهل بیت علیهم السلام و جشن های میلاد، زمانی مقبول واقع خواهد شد که هم گام با امام زمان ارواحنا فداه و مورد رضایت و امضای آن حضرت باشد. در همه ی حالات، به ویژه هنگام جاری شدن اشک ها و شکستن دل ها، باید برای فرزند غریب حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و منتقم خون مطهر او و تعجیل در فرجش دعا کرد؛ همان گونه که در زیارت عاشورا می خوانیم:

«... از خدا می خواهم مرا به مقام ستوده ای که از آن شما خاندان

است نایل گرداند و نصیبم سازد تا همراه آن امام هدایت یافته ی الاهی

از شما اهل بیت - که هدایتگری ظاهر و به حق گویاست - خون خواه

شما و از دشمنانتان کیفر خواه باشم.»

در کتاب شریف مکیال المکارم نیز آمده است که حضرت بقیة الله

ارواحنا فداه فرمودند:

«اگر مؤمنی در مجالس سوگواری، پس از ذکر مصایب حضرت

سید الشهداء علیه السلام برای من دعا کند، من برای او دعا می کنم.»^۲

از مرحوم علامه ی امینی رحمته الله علیه نیز نقل شده است که فرموده است:

من کسی را که پس از ذکر شریف صلوات، و عَجَّلْ فرَجَهُم بگویند، در ثواب نوشتن کتاب الغدیر خود سهیم می‌کنم.

بر گویندگان و ذاکران و شاعران اهل بیت علیهم السلام است که در سخنان، اشعار، منقبت‌ها، مرثیه‌ها و... محور سخن خود را امام عصر ارواحنفاذ قرار دهند و مؤمنان نیز در فرصت‌های اجابت دعا، از درخواست فرج آن حضرت از آستان حق - تعالی - غافل نباشند

...از شیخ حسن سامرایی - که از گویندگان با تقوای عراق بود - نقل کرده‌اند که گفت:

در ایامی که در سامرا مشرف بودم؛ روز جمعه‌ای به هنگام عصر، به سرداب مقدس رفتم. دیدم غیر من، احدی نیست. حالتی پیدا کردم و متوجه مقام صاحب الامر صلوات الله علیه شدم. در آن حال، صدایی از پشت سر شنیدم که به فارسی فرمود: «به شیعیان و دوستان من بگویند خدا را به حق عمّه‌ام حضرت زینب علیها السلام قسم دهند تا فرج مرا نزدیک گرداند.»^۱

مکر شیطان برای تأخیر فرج

برخی تصور می‌کنند که دعا برای تعجیل فرج ابتدا نیازمند تزکیه‌ی نفس و کسب ظرفیت برای دعاست. این اشتباه بزرگی است و چه بسا از القانات و دسیسه‌های شیطان! شاید تا کسب ظرفیت مورد ادعا، فرصت و موقعیت از دست برود و ظرفیتی هم کسب نشود! به علاوه، دعا خود

۱. شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام ۱: ۲۵۱.

ابزاری مؤثر برای یافتن ظرفیت و تطهیر نفس تزکیه است. مگر اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام مصداق آیهی تطهیر نیستند؟ چه راهی برای تطهیر باطن و تزکیه‌ی نفس مطمئن‌تر از اتصال به آن خاندان پاک؟!

شیطان پس از رانده شدن از درگاه الوهیت، از خداوند خواست تا در عوض عبادت‌های چند هزار ساله‌اش، تا پایان دنیا به او مهلت داده شود: ﴿شیطان از خدا درخواست کرد که: پروردگارا! پس مرا تا روزی که خلق مبعوث می‌شوند، مهلت ده. خداوند (خطاب به شیطان) فرمود: تو تا وقت معین و معلوم از مهلت داده شدگان ای.﴾^۱

امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام در مورد مرگ شیطان در هنگام ظهور می‌فرماید:

«منظور از وقت معلوم در آیه‌ی شریفه، روز قیام قائم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است. هرگاه خداوند او را برانگیزد، ابلیس در مسجد کوفه می‌آید؛ درحالی‌که بر زانوانش راه می‌رود و می‌گوید: ای وای از این روزگار! آن‌گاه (موی بالای) پیشانی‌اش را می‌گیرند و او را گردن می‌زنند. آن هنگام، روز وقت معلوم است که مدت او به پایان می‌رسد.»

حضرت علی بن موسی الرضا عَلَيْهِ السَّلَام نیز در تفسیر این آیات شریف می‌فرماید:

«وقتی که نزد همه برای پایان زندگی شیطان معلوم است روز ظهور قائم ما اهل بیت است.»^۲

این است که شیطان با تمام ترفندها و مکر و حيله‌ها و با کمک اعوان و انصارش، از متمرکز شدن توجّهات مردم به ولی عصر ارواحنا فداه مانع می‌شود و هر چه در توان دارد برای به تعویق انداختن «روز ظهور» به کار می‌گیرد.

تذکری سودمند

یکی از نقاط ضعف عمده که در میان گویندگان، نویسندگان، پژوهشگران و روشن فکران مسلمان وجود دارد، پرداختن به حاشیه و غفلت از متن ظهور است. گاه تمام توان و علم و دانش خود را معطوف به مطالب فرعی و کم اهمیت‌تر کرده‌ایم؛ ولی از شخص ولی الله علیه السلام، انتظارات آن حضرت و درخواست فرج غافل مانده‌ایم. درست است مباحثی هم چون ابعاد جامعه شناختی و روان شناختی انتظار، برگزاری کنگره‌های شعر و بعضاً موسیقی!! راجع به مهدویت، جذاب و شیرین است؛ ولی ما به شناخت آن حضرت و متعاقباً دعا برای تعجیل فرج موظف‌ایم و حتی شناخت نشانه‌های ظهور از اهمیت بعدی برخوردار است.^۱

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام در عالم خواب یا مکاشفه به مرحوم

۱. ناگفته نماند ما به شناخت نشانه‌های ظهور نیز موظف شده‌ایم و اگر آگاهی از علایم ظهور ضرورتی نداشت ائمه‌ی معصومین علیهم السلام این نشانه‌ها و علایم را بیان نمی‌فرموده و شیعیان خویش را به شناخت این نشانه‌ها امر نمی‌کردند. بی تردید یکی از برکات این شناخت، آن است که شیعیان فریب مدعیان دروغین مهدویت و نیابت امام را نخواهند خورد.

آیه الله میرزا محمد باقر فقیه ایمانی فرمودند:

«در منبرها به مردم بگویند و به آنان دستور دهید توبه کنند و در باره‌ی تعجیل ظهور (حضرت) حجت ارواحنا فداه دعا کنند. دعا برای آمدن آن حضرت مانند نماز میت نیست که واجب کفایی باشد و با انجام دادن عده‌ای از گردن دیگران ساقط شود؛ بلکه مانند نمازهای پنج‌گانه است. بر هر مرد و زن بالغ واجب است برای ظهور امام زمان غایب دعا کند.»^۱

اگر تا امروز - آن‌گونه که باید - به وظیفه عمل نکرده‌ایم و از دعا برای فرج منتقم آل محمد علیهم السلام غافل مانده‌ایم، برای جبران دیر نشده است. بیایید با خداوند مهربان عهدی ببندیم و خالصانه به درگاه حضرتش عرضه بداریم:

بار پروردگارا! اگر از اول عمر من تا هم اکنون، در پرونده‌ی من عملی هست که مورد رضایت توست، (اعم از حجّ مقبول زیارت امامان علیهم السلام و امام زادگان، قرائت قرآن، نماز جماعت، صدقه، احسان به خلق، صلّه‌ی رحم، ذکر، عزاداری، ادعیه و سایر اعمال مستحبّی و...) همین لحظه از پرونده‌ی عمل من بردار و برای تعجیل در فرج منجی عالم منظور فرما و از امروز هم ثواب هر عمل خیر مرا که رضایت تو در آن است برای تعجیل فرج مقرر دار. خداوندا، حتّی برای لحظه‌ای مرا از یاد مولا یم غافل مگردان.

کاری کنیم؛ ورنه خجالت برآورد

روزی که رخت جان به جهان دگر کشیم

خوب است در این قسمت از شادروان حاج شیخ احمد کافی خراسانی رحمته الله شیدای امام زمان علیه السلام و فریادگر غربت آن حضرت و بنیان گذار مهدیه‌های شهرهای ایران یادی کنیم. این سخن اوست:

به خدا- آی شیعه‌ها - آقایمان خواهد آمد. به خدا، طرف دار ما بی‌کسان می‌آید.

آقا جان! به خدا ما غریب شدیم. پسر فاطمه علیها السلام به خدا شیعه‌ها بی‌کس شدند.

آقا جان! هر کس برسد توی سر ما می‌زند، آری همین است کسی که آفایش بالای سرش نباشد توی سرش می‌زنند. قربانت شوم!... حجة بن الحسن علیه السلام... شیعه‌ها پژمرده شدند. پسر فاطمه علیها السلام دوستانت افسرده شدند. مهدی قرآن! طرف دارانت دل شکسته شدند. خودت هم از خدا بخواه که فرجت را نزدیک کند. دشمن هم ما را سرزنش می‌کند: اگر آقایی داشتید، می‌آمد!

آقا جان! بچه‌ها مان جوان شدند؛ جوان‌ها مان پیر شدند؛ یک مشت پیرها مان مُردند؛ آخر هم تو را ندیدند...

به خدا قسم - ای مردم! - دعا‌هایتان اثر دارد؛ ناله‌هایتان اثر دارد. خود آقا به مرحوم مجلسی رحمته الله فرمودند: «مجلسی به شیعه‌ها بگو برایم دعا کنند.» هی پیغام می‌دهد. به خدا دلش خون است...

حالا می‌خواهم دعا کنم: الاهی، به پهلوی شکسته‌ی زهرا علیها السلام، خدایا، به صورت سیلی خورده‌ی زهرا علیها السلام، الاهی، به جگر پاره پاره‌ی امام حسن علیه السلام، الاهی، به سر بریده‌ی امام حسین علیه السلام قسمت می‌دهیم که دیگر فرجش را

تنوع ادعیه و زیارات

نباید پنداشت تنها نمونه‌ی دعا برای ظهور، خواندن دعای فرج و ختم صلوات است. ادعیه، زیارات، نمازها، اذکار و توسلات زیادی وجود دارد که می‌تواند در مسیر برقراری ارتباط معنوی با قطب عالم امکان و دعا برای فرج مورد استفاده قرار گیرد. نمونه‌ای از متون دیگر صلوات ابوالحسن ضراب‌اصفهانی است که سید بن طاووس رحمته الله علیه توصیه می‌کند؛ اگر هیچ کدام از اعمال روز جمعه را - که در خصوص حضرت صاحب الامر علیه السلام وارد شده است - به جا نیاوردی، هرگز این صلوات را ترک نکن؛ زیرا در این صلوات سَری هست و خداوند ما را به آن آگاه فرموده است. از بهترین کتاب‌هایی که اخیراً در این مورد تألیف شده و در اختیار پیروان اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته و تا کنون به چند زبان ترجمه شده است «صحیفه‌ی مهدیه» اثر آقای سید مرتضی مجتهدی است که به فارسی نیز برگردانده شده است. به ویژه مطالعه و تدبّر در مقدمه‌ی ارزشمند کتاب فوق را - که مشتمل بر لزوم دعا برای ظهور و آداب دعاست - به همهی محبّان و منتظران صادق حضرت مهدی ارواحنا فداه توصیه می‌کنیم.

لزوم توجّه، توسّل و رجوع به ساحت مقدّس امام حاضر

متأسفانه مشاهده می‌شود که برخی محبّان اهل بیت علیهم السلام در توجّهات

۱. از مجالس عمومی مرحوم کافی رحمته الله علیه.

و توسلات و نذر و نیازهای خویش، کم تر به وجود حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه متوجه و کم تر به آن درگاه بلند متوسل می شوند. اگر چه تمامی این بزرگواران نور واحدند، چون این روزگار دوران امامت حضرت مهدی ارواحنا فداه است توصیه‌ی خود بزرگواران معصومین علیهم السلام است که ما به امام حئی و حاضر در زمان خویش متوجه شویم و از ساحت او استمداد بطلبیم. آری، او امام زمان ماست و زمانه، زمانه‌ی امامت آن حضرت است.

با غیبت، هیچ یک از شؤون امامت تعطیل نشده است؛ تنها حضور آشکار امام را در صحنه‌ی گیتی نمی بینیم. آری حضرت مهدی علیه السلام اگر چه در دوران غیبت در میان مردم ظهور ندارد اما در همه جا حضور دارد، هم چون پدران پاک نهادش همه‌ی کائنات و موجودات تحت فرمان اویند. سرنوشت بشریت از زیر دست با کفایت او می گذرد و دعاها و راز و نیازهای مردم به فرمان وی - که حجّه الله و خلیفه الله است - به اجابت می رسد.

پس اگر در این دوران که منصب امامت به آن وجود نازنین تعلق دارد - در گرفتاری‌ها و مشکلات، به ذوات مقدّس معصومین علیهم السلام متوسل شویم، آن بزرگواران نهایتاً حاجت ما را به فرزند منتظر خود - که پیشوای زنده‌ی این روزگار است - ارجاع می دهند؛ چنان که مولا امیرمؤمنان علیه السلام مرحوم مقدّس اردبیلی رحمته الله را (در وقتی که اشکالات علمی خود را به کنار تربت شاه ولایت آورده بود) به امام زمان ارواحنا فداه متوجه داده فرمودند:

«به مسجد کوفه برو و سؤال‌های خود را از امام زمان خویش

پرس.»

علامه‌ی فاضل مرحوم مامقانی رحمته الله می‌گوید:

در صحن مسجد الحرام، در عالم خواب خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشرف شدم. پس از نماز به حضور ایشان شتافتم، عرض ادب و اظهار حاجت کردم. فرمودند:

«مامقانی! دوران من گذشته است. امروز دوران فرزندم مهدی

أرواحنا فداءه است! حاجت را آن جا ببر.»^۱

در گزارش دیگری یکی از شیعیان حکایت می‌کند:

... سید مقدّسی که در همسایگی ما بود شبی خواب دیده بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت رضا علیه السلام و حضرت حجّت أرواحنا فداءه به خانه‌ی او وارد شده‌اند. سید احتراماً به پا ایستاده بود تا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشستند و آن دو امام نیز در خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به پا ایستاده ماندند. بعد حضرت رضا علیه السلام به خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم از روس‌ها شکایت کردند که:

«شیعیان ما از دست این خرس شمال در فشار و سختی‌اند، تدبیری

بفرمایید.»

آن حضرت فرموده بودند:

«چون امروز مدیر دنیا حجّت بن الحسن علیه السلام است، شکایت به

او برید...»^۲

نتیجه آن که توجّه و توسّل به سایر ائمّه‌ی اطهار علیهم السلام نمی‌تواند توجیه

۱. موعود، ش ۱۸ و ۱۹.

۲. شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام ۲: ۲۸۴.

گر بی اعتنایی به امام زمان ارواحنا فداه باشد و وظیفه‌ی ما را در برابر پیشوای مهربانی که حی و ناظر است ساقط نمی‌کند. باید نام و یاد امام زمان ارواحنا فداه را فریاد کرد. تنها به هنگام سوگند خوردن به یاد او نیفتیم؛ آقا همیشه در دست رس است. قدر این بزرگ‌ترین نعمت الاهی را بدانیم. از ارتباط با او غافل نشویم.

گفتیم که آن حضرت منشی ندارد. بی هیچ واسطه، بدون وقت و هم‌آهنگی قبلی، هر کجا و هر وقت که او را صدا بزنیم، کریمانه نگاه مهربانش را به ما معطوف می‌دارد. دیدیم که از پدر مهربان‌تر، از مادر دل‌سوزتر، از برادر نزدیک‌تر و از هر دوست و آشنایی، صمیمی‌تر است. با تمام ضعف‌ها و نقایص ما، باز هم دوست‌مان دارد. وقتی دشمنان او به یمن و برکتش روزی می‌خورند و ادامه‌ی حیات می‌دهند، هیئات که محبّان و شیعیان خویش را واگذارد!

اگر شأن امام شأن «پدری»^۱ است - که هست - و ما خود را از فرزندان او می‌دانیم، طبیعی است همان‌گونه که با پدر جسمانی خویش با ادب و احترام به گفت و گو می‌نشینیم می‌توانیم با امام نیز - که پدر معنوی ماست - دائماً سخن بگوییم و نجوا کنیم و چه بسا حرف‌هایی را که با نزدیک‌ترین کسان خویش قابل طرح ندانیم به راحتی با آن رازدار مهربان در میان نهیم. هر کس می‌تواند این گفت و گو و نجوا را به زبان و بیان خویش انجام دهد و در هر مشکلی به ولیّ خدا متوسّل شود و با زنده‌نگه داشتن یاد و احساس حضور دائم او در قلب و جانش، به وظیفه‌ی ارتباط

۱. «الإمام الأب الشَّفِیقُ».

و تمسک با امام عصر ارواحنا فداه جامه‌ی عمل بپوشاند.^۱

بیایم هر یک از ما که تاکنون غافل بوده‌ایم، از هم‌اینک آغاز کنیم. نخستین گام هم طلب عفو از گذشته‌های آکنده از بی‌مهری نسبت به امام است. عرض کنیم که:

اگر در طول عمر خویش موجبات رنجش خاطر‌تان را فراهم کرده‌ایم؛ اگر با غفلت و گناهان خویش قلب شما را آزرده‌ایم؛ اگر به وظایف خویش در قبال شما بی‌توجه و بی‌تفاوت بوده‌ایم؛ اگر هر کدامان به نوعی بد کرده‌ایم، باز هم چون فرزندان خطا کار، شما پدر مهربان خود را دوست داریم و آرزومان کسب رضایت و جلب عنایت شماست.

ای از پدر مهربان‌تر! با این همه بدی و کژراهه رفتن، ما را در این دوران محرومیت، از نگاه محبت آمیزتان محروم مدارید و دست ما را در این زمانه‌ی طوفانی و وانفسای آخرالزمان رها نکنید که همین نگاه و توجه شما در برابر نیرنگ و فریب شیاطین، مطمئن‌ترین سپر حفاظتی ماست.

آقای بزرگوار! نگاه مهربان و کریمانه و زیر و رو کننده‌ی شماست که شرم و حیا را در ما زنده نگاه خواهد داشت و نخواهد گذاشت آن‌گونه عمل کنیم که هنگام تشرّف به محضر شما یا حضور در هنگامه‌ی هول‌انگیز قیامت، سرافکننده و روسیاه باشیم.

۱. در آیه‌ی شریفه‌ی ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...﴾ (آل عمران ۲۰۱:۳) ما را به ارتباط داشتن با امام عصر علیه السلام فرمان داده‌اند.

ای همه‌ی محبت و عاطفه! برای ما توفیق انجام اعمال را از خدا مسألت فرما که نتیجه‌اش رضایت خدای - تعالی - و خشنودی شما اهل بیت باشد که خرسندی شما نیز خرسندی خداست.

دعایمان کنید تا زینت شما باشیم نه مایه‌ی شرمساریتان.^۱

از خدا بخواهید توفیق درک عمق غربت و مظلومیت شما را به ما عطا فرماید، هر چه شک و تردید را از قلب‌های ما ریشه کن سازد، لحظه به لحظه بر محبت، مودت، معرفت، ارادت، تسلیم و یقین ما نسبت به شما افزایش و روز به روز بغض و کینه و نفرت و انزجار ما را از دشمنانتان مضاعف سازد.

از خدا بخواهید حتی برای لحظه‌ای ما را از یاد شما و دعا برای تعجیل فرج و تلاش برای رفع هم و غم و اندوه شما غافل نسازد و میان ما و ظهور خجسته‌ی شما با مرگ ما فاصله نیندازد.

مولای من! معرفت شما اعطایی است؛ نوری است که خداوند در قلب هر کس که بخواهد می‌افکند؛^۲ همه‌اش به کتاب و دفتر و خواندن و نوشتن نیست. از اقیانوس بی‌کران معرفت خویش جرعه جرعه در کام ما بریزید و توفیق استقامت و پایداری در صراط مستقیم محبت و معرفتتان را از ما باز مستانید. یک نگاه جدّ بزرگوارتان حضرت سیدالشهداء علیه السلام

۱. پدر بزرگوار امام عصر علیه السلام خطاب به شیعیان فرموده‌اند: اتقوا الله و کونوا لنا زیناً ولا تكونوا لنا شیناً. پارسایی و تقوای الهی پیشه کنید و مایه‌ی افتخار و زینت ما باشید و نه مایه‌ی سرشکستگی ما. بحار الانوار ۷۸: ۳۷۲.

۲. العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء

«حرّ بن یزید ریاحی» را از سرداری سپاه کفر، به اوّلین شهید سرافراز عاشورا مبدّل ساخت. ما را مهمان گوشه چشمی از جنس همان نگاه کنید. اگر امام عصر علیه السلام «هم تاي قرآن»^۱ و «دلالت کننده به راه هدایت»^۲ است، باید صراط مستقیم و طریق هدایت را از آن ولیّ خدا جست و جو کرد تا با تمسّک به آستانش، دین و دنیای ما از دست نرود و از آزمایش‌های الهی سر بلند بیرون آییم.

امروزه خطرات مهلکی در کمین آیین و عقیده‌ی ماست. اوّل زرق و برق و مظاهر فریبنده‌ی دنیا، نفس اماره و بالاخره ابلیس و سوسه گر که به عزّت خداوند سوگند یاد کرده است که انسان‌ها را به گم راهی و ضلالت بکشاند.

از دیگر سو در آخرالزمان به سر می‌بریم. روایات، از فتنه‌ها و ابتلائات پیچیده‌ای که دین نگه داری را در این دوران بسیار مشکل می‌سازد سخن گفته‌اند، پابر جا بودن در باورها و ثابت ماندن در اعتقاد به امام غایب، هم چون نگه داشتن آتش در کف دست، معرفتی والا، ایمانی عمیق و صبر و استقامتی عجیب می‌طلبد.

خطر دیگر رواج اباحه‌گری و بی بند و باری فکری، بروز فتنه‌های اعتقادی، آشفته بازار نظرات شبه دینی و فلسفی، میدان داری کاسبان و دگان داران حرفه‌ای و مارهای خوش خطّ و خالی است که سراب را به جای آب، ضلالت را به جای هدایت و کفر و شرک و نفاق را به جای ایمان خالص عرضه می‌کنند و تعبیر «راهزنان دین و عقیده» - که در روایات به

۱. «تالی کتاب الله».

۲. «الإمام الدالّ علی الهدای».

آن اشاره شده است - دقیقاً زینبدهی آن هاست و بس واضح است که دنباله روی از این جریانات جز سرگردانی، حیرت، غرق شدن در امواج انحراف و خسران دنیا و آخرت عاقبتی ندارد. برای رهایی از این کوره راه‌ها و سربلندی در امتحانات و فتنه‌های آخرالزمان، اعتقاد راسخ و التزام عملی به حق و حقیقت^۱ - که همان حجّت زنده‌ی خداوند در این عصر و دوران یعنی حضرت بقیّة الله عجلتعالیه می‌باشند - رمز فلاح و رستگاری است.

چاره‌ای نداریم که برای یافتن راه هدایت، از آن یگانه‌ی دوران اهتدا کنیم و سخن حضرت او و پدران بزرگوار و پاکش را با آرای صاحبان مکاتب فلسفی، صوفی مسلکان مدّعی عرفان یا متکلم مآبان قابل مقایسه ندانیم و در تفسیر و فهم قرآن، فقط و فقط سخن و کلام معصوم را - که هم‌تای قرآن است - حجّت قرار دهیم؛ زیرا در دوران سراسر حرمان غیبت - که دست رسی مستقیم به امام برای همگان ممکن نیست - احادیث رسیده از پیشوایان دین - که هم‌سان کلام خداست - در دست رس ماست و آن بزرگواران نیز ما را به روایان حدیث ارجاع داده‌اند.^۲

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه‌ی جاودانه‌ی غدیر در توصیف آخرین حجّت خدا فرمودند: لا حقّ الاّ معه و لا نور الاّ عنده... هیچ حقی نیست مگر با مهدی عجلتعالیه و هیچ نوری نیست مگر نزد حضرتش...

۲. فارجمعوا فیها الی رواة احادیثنا. حضرت صاحب عجلتعالیه شیعیان خویش را در زمان غیبت به روایان احادیث یعنی به سخنان و کلمات چهارده معصوم عجلتعالیه ارجاع فرموده‌اند.

به راستی روزی چند روایت از ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام را مورد مطالعه دقت قرار می‌دهیم؟ مگر نه این است که هر روز ساعت‌ها به مطالعه‌ی روزنامه‌ها و مجلات رنگارنگ و تماشای فیلم‌های سینمایی، سریال‌های پلیسی، برنامه‌های طنز - که مملو از صحنه‌های گناه و اختلاط محرم و نامحرم است - می‌پردازیم و آنان که اهل ادب و فرهنگ‌اند اشعار فلان شاعر سنی مذهب و مدعیان دروغین عرفان و شوریدگی را مرور می‌کنند و آه می‌کشند! و سر می‌جنبانند! و در ابیات آن تدبّر و تعمق می‌کنند؛ اما دریغ از خواندن یک روایت! این در حالی است که تنها و تنها کلام معصوم است که نور است^۱ و تنها و تنها فرمان معصوم است که موجب رشد و کمال معنوی می‌گردد^۲ و تنها و تنها حدیث امام است که قلب‌ها را زنده می‌کند.^۳ بسیاری از بزرگان شیعه برای سهولت مراجعه‌ی مردم به آثار اهل بیت علیهم السلام کتاب‌های متعدّدی به فارسی تألیف کرده‌اند و امروزه ترجمه‌ی بسیاری از آثار اعتقادی و روایی شیعه در دست رس همگان قرار دارد. حیف نیست عمر و وقت گران مایه‌ی خویش را صرف گفتارهای افراد عادی کنیم و از سخنان پیشوایان نور و پرچم داران راستین هدایت بی‌بهره باشیم؟

آیا می‌دانید ما مجوز شرعی برای شنیدن هر سخنی نداریم؟ آیا می‌دانید اولیای دین اجازه‌ی گوش فرا دادن به هر سخنی و خواندن هر مطلبی را به شیعیان خویش صادر نکرده‌اند؟ در روایات متعدّدی آمده

۱. «کلامکم نور.» از زیارت جامعه کبیره.

۲. «مرگم رشد.» همان.

۳.

است که هر کس به سخن گوینده‌ای، گوش فرا دهد او را پرستش نموده است.^۱ اگر گوینده از جانب خداوند - تعالی - سخن بگوید، شنونده خدای - تعالی - را عبادت کرده است و در غیر این صورت، مستمع غیر خدا یعنی طاغوت‌ها، شیطان‌ها و... پرستیده است. پر واضح است کلام خدا را از زبان خدا باید شنید و زبان خدا یا «لسان الله» فقط و فقط چهارده معصوم اند و هم اینک که امام عصر علیه السلام در غیبت به سر می‌برند کلماتی که از زبان ایشان و اجداد طاهرینش صادر شده است یعنی روایات و احادیث رسیده از ائمه‌ی معصومی علیهم السلام مصداق کلام خدا می‌باشد. اگر لحظه‌ای درنگ و تأمل کنید به عمق فاجعه پی خواهید برد.

اگر امام عصر علیه السلام تنها کشتی نجات^۲ در طوفان‌های هلاکت بار آخرالزمان است - که هست - آیا به هنگام روی آوردن سختی‌ها، شیخون فتنه‌ها و حمله‌های بی‌امان ابلیس و سپاه بی‌شمارش، چشم امیدمان را به آن سفینه‌ی نجات دوخته‌ایم آیا توجه و نگاهمان به آن وجود مقدس معطوف هست؟ البته هیچ کس هم چون کسی که در حال غرق شدن است و در میان امواج خروشان دریا دست و پا می‌زند، قدر و قیمت کشتی نجات را نمی‌داند. بیاییم این نعمت والا را قدر بشناسیم.

متأسفانه اغلب ما حضور سفینه‌ی نجات را از یاد برده‌ایم؛ او را فراموش کرده‌ایم؛ دل‌هامان مشتاق و چشمانمان در جست و جوی دیدار او نیست؛ مرغ جانمان برای زیارت جمالش پر نمی‌کشد، به هر تخته پاره‌ای به امید نجات چنگ می‌زنیم، ولی از تمسک به این کشتی نجات ابا

۱. من اصغی الی ناطق فقد عبده. ۲. «الإمام سفینه النجاة».

داریم... در حالی که امام عصر علیه السلام اینک تنها «پناهگاه محکم»^۱ و یگانه «فریاد رس زمان»^۲ است و از کسانی که او را بطلبند - حتی مسیحیان - دستگیری می‌کند و این ما هستیم که متأسفانه در توجّه و توسّل به آن جناب کوتاهی می‌ورزیم.

گرگداکاهل بود، تقصیر صاحب‌خانه چیست؟

آری، پیوند دائمی با آن محبوب دل‌ها، نجات بخش ما در لحظه لحظه‌ی زندگی و پس از مرگ است و ثمره‌ی این پیوند، توجّه دائمی ما به آن حضرت است و تا این پیوند باقی است، زندگی و دین‌داری ما معنادار و مصون از آفات و خطرات خواهد بود.

بیاییم همه مضطرّ امام زمان ارواحنا فداء شویم، در شبانه روز دقایقی را برای خلوت با او خالی کنیم، قطب‌نمای زندگی مان قطب عالم امکان را نشان دهد، دل را با قلب عالم هستی پیوند بزنیم، بگذاریم خون با نوای یا مهدی در رگ‌هایمان بدود و ضربان قلب ما العجل یا بقیة الله بگوید. هر چند یک بار، فقط محض خود آن حضرت، نه برای حاجت‌های خویش، ندبه کنیم! یادمان نرود که او صاحب زمان و امان زمین است. خود را صاحب خانه ندانیم که او علاوه بر زمان صاحب مکان نیز هست. یادمان نرود که زندگانی به دور از او مردگی و مرگ بدون معرفت او مرگ‌جاهلی است. همه‌ی اوقات زندگی را با یاد او زنده و جاودانه کنیم.

برای سلامتی امام زمان ارواحنا فداء صدقه دهیم؛ روزه بگیریم؛

۱. «الکَهْفُ الحَصِین.»

۲. «غیاث المضطرّ المستکین.» بحار الانوار ۸۷: ۶۷.

قربانی کنیم؛ اسفند دود کنیم... در نثار هر صلواتی، با ذکر «وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ» تعجیل فرجش را بخواهیم و با نفرین «أَهْلِكْ أَعْدَاءَهُمْ» از دشمنانش بیزاری بجوییم؛ بی تاب زیارتش باشیم و برای آمدنش لحظه شماری کنیم.

شرط محبت و مروّت نیست که همیشه در حوایج و دردهایمان به آن آستان متوسّل شویم؛ اما در خوشی‌هایمان به یاد او نباشیم! از امام زمان علیه السلام برای خود خرج نکنیم، مال و جان و آبروی خود را برای حضرتش هزینه کنیم که در واقع هزینه نیست، سرمایه گذاری جاودانه‌ی آخرتی است.

چنان چشم به راهش باشیم که دیگران از ما عطر انتظار را استشمام کنند. خانواده‌ی خویش را بیمه‌ی صاحب الزمان علیه السلام کنیم. فرزندانمان را مهدی و مهدیه نام نهیم. یقین بدانیم «امام‌شناسی» و برقراری پیوند معنوی و قلبی با آن امام همام از کلاس زبان و کامپیوتر برای آن‌ها ضروری‌تر است!

گاه تنها و تنها برای خود آن حضرت به جمکران برویم.^۱ نه... در

۱. یکی از بهترین مکان‌هایی که امکان عمل به فرمان مبارک حضرت مهدی علیه السلام برای تحقّق ظهور یعنی «اجتماع قلوب شیعیان» و «درخواست یک پارچه‌ی فرج» در آن‌جا وجود دارد مسجد مقدّس جمکران است؛ ولی متأسّفانه شاهدیم خیلی از کسانی که در این مسجد شریف حضور می‌یابند در پی حلّ مشکلات شخصی و برآورده شدن حاجات مادی و دنیوی خویش می‌باشند. آیا اگر جمعیت عظیمی که از دور و نزدیک به مسجد می‌آیند نیت و خواسته‌ی خود را فقط تعجیل در ظهور امام زمان علیه السلام قرار دهند و یقین داشته باشند که با فرج آن حضرت «همه‌ی مشکلات» و «مشکلات همه» حل خواهد

قلبمان جسمکرانی احداث نماییم. دل را جزیره‌ی خضراء سازیم خانه‌هامان را با یاد حضرتش، مهدیه کنیم. فاصله و حجاب ما و امام زمان ارواحنا فداه فاصله‌ی مکانی نیست.

از داستان سید بن طاووس رحمته الله علیه و سید بحر العلوم رحمته الله علیه گرفته تا سرگذشت سید کریم پینه دوز، پیر مرد قفل ساز، ابوراجح حمّامی،^۱ استاد جعفر نعل بند و یولی،^۲ دختر چینی حجّت را بر همگان تمام می‌کند. مهمّ این است که رفتار ما مورد رضایت امام عصر علیه السلام باشد.

چه می‌شود اگر گوش به زنگ فرج باشیم؟ زنگ خانه‌هامان آوای یا مهدی سر دهد؟ در مدارس زنگ انتظار را به صدا درآوریم؟ نه در قنوت که در رکوع و سجود هم برای فرج دعا کنیم؟ شب‌ها، با یاد حضرتش و در

شد به دو هدف فوق الذکر که از شرایط مهمّ ظهور آن حضرت است نزدیک نمی‌شویم؟

۱. پیرمردی که در حلّه، سبّ خلفای غاصب می‌کرد و به دستور والی آن جا تا سر حدّ مرگ او را کتک زدند و دندان هایش را خرد کردند. با عنایت امام عصر علیه السلام فردای آن روز با کمال تعجّب اهل حلّه دیدند ابو راجح صحیح و سالم است و دندان هایش که ریخته بود برگشته است و هیچ اثری از جراحت در او نیست. (نجم الثاقب: ۵۴۴، حکایت ۴۰)

۲. یولی دختری اهل چین که از کودکی بر اساس فطرت پاک خویش به دنبال سلطان آسمان می‌گردید. ابتدا با مسیحیت و کم کم با اسلام و قرآن آشنا شد و در نهایت به مکتب تشیّع گرایید و در راه عزیمت به ایران در حالی که دچار دلواپسی و اضطراب بود آن حضرت را زیارت کرد... (مجله‌ی زن روز ۸/۳/

آرزوی درک ظهور نورانی اش به خواب رویم و بلافاصله پس از برخاستن از خواب، به آن حضرت سلام کنیم تا روزمان را با سلام به آن حضرت آغاز و متبرک کرده باشیم. صبح‌ها با دعای عهد در لشکر صاحب الزمان علیه السلام اعلام حضور کنیم. صبح جمعه، آماده و مترصد شنیدن خبر ظهور آن ولیّ دوران باشیم؟

می‌دانیم امر فرج یک شبه اصلاح خواهد شد. پس هر لحظه امکان دارد نوای دلنشین «أنا بقية الله» در عالم طنین انداز شود. عصرهای جمعه - که اشک در چشم کائنات و بغض در گلوی جهان از به تأخیر افتادن غیبت تا جمعه‌ی دیگر حکایت دارد - چرا ما نیز با تمام عالم هم دردی نکنیم؟ روزهای غیبت امام عصر شب‌های دی‌جور زندگی مان نباشد؟

به هنگام تحویل سال خدا را به «مقلب القلوب» اش سوگند دهیم که امسال قلوب ما و همه‌ی اهل عالم را به جانب بقیة الله ارواحنا فداه برگرداند و توجّهات آن امام همام را به سوی ما معطوف دارد تا همه‌ی احوال ما به بهترین حالت مبدّل گردد.

مگر جز این است که در همین روزهای تیره‌ی غیبت امام زمان علیه السلام هر جا قلبی می‌تپد و نفسی در سینه‌ای جاری است، هر کجا آثاری از حیات و زندگی هست، هر نعمتی که می‌رسد و کنار هر سفره‌ای که متنعم می‌شویم، همه از وجود و برکت ولیّ الله الأعظم ارواحنا فداه است. پس اینک - که همه‌ی عالم مهمان سفره‌ی اویند - ولیّ نعمت را فراموش نکنیم و سفره دار را از یاد نبریم. نمک خوار و نمکدان شکن نباشیم.

باور کنیم قرآن و عترت جدایی ناپذیرند و کتاب خدا ما را به سوی

امام هدایت می‌کند پس قرآن را که گشودیم، شریک‌القرآن را فراموش نکنیم. با مدعیان حسینا کتاب‌الله هم آوا نشویم. تفسیر قرآن را از قرآن‌ناطق روزگار بشنویم.

به نماز که ایستادیم، «وَأَجْعَلْ صَلَاتِنَا بِمَقْبُولَةٍ»^۱ را به خاطر بیاوریم. به هنگام گفتن ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ به هوش باشیم که صراط‌مستقیم این روزگار وجود مقدس اوست.^۲

به حجّ خانۀ خدا اگر مشرف شدیم، باطن قبله یادمان نرود.^۳ حجّ

۱. مفاتیح الجنان، دعای ندبه. «خدایا، نمازهای ما را به وسیله‌ی او (امام عصر علیه السلام) مقبول قرار ده.» ۲. ر.ک: ۱۱.

۳. سید شرف الدّین رحمته الله علیه در کتاب «تأویل الآیات» از داود بن کثیر نقل می‌کند که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا مقصود از نماز، زکات و حجّ در کتاب خداوند تبارک و تعالی شما هستید؟ فرمود:

نحن الصلاة في كتاب الله عزّ وجلّ و نحن الزّكاة، و نحن الصّيام، و نحن الحجّ، و نحن البلد الحرام، و نحن كعبة الله و نحن قبلة الله، و نحن وجه الله، قال الله تعالى: «فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» و نحن الآيات و نحن البيّنات...

ای داود! مقصود از نماز، زکات، روزه، حجّ، مگه، کعبه و قبله در کتاب خداوند ما هستیم. وجه خداوند یعنی آن جهتی که امتدادش به سوی خداست ما هستیم که فرموده است: «به هر کجا روی آورید آن‌جا وجه خداوند است.» و مراد از آیات و بیّنات یعنی نشانه‌ها و دلائل ما هستیم.

و مقصود از زشتی و بدی و ستم و شراب و قمار و آن‌چه به غیر خداوند برای پرستش برافراشته‌کنند و تیرهای قمار و انواع بت‌ها که در جاهلیت آن‌ها را پرستش می‌کردند و مردار و خون و گوشت خوک در کتاب خداوند تبارک و تعالی دشمن ما است.

واقعی طواف برگرد وجود امام علیه السلام است. بهترین مصداق «امر به معروف» را سوق دادن جامعه به سوی امام عصر علیه السلام تلقی کنیم. هیچ «منگری» را بالاتر از غفلت از محبوب ندانیم.

پایه‌های تربیت کودکان و فرزندانمان را بر القای محبت او استوار نموده، دل و جان آنان را با روایت الطاف و حکایت مهربانی‌های آن حضرت به دوست و دشمن، نور و جلا بخشیم و آتش عشق و محبتش را در قلب‌های آنان شعله‌ور سازیم تا با تمام وجود به داشتن امامی این چنین مفتخر باشند و بنازند و ببالند که آقای با این کرامت و بزرگی دارند.

در این راستا یاری گرفتاران و دستگیری از نیازمندان شیعه - که در حکم فرزندان معنوی امام اند - را عرض ادبی به آستان آن ولیّ دوران بدانیم که موجب رضایت آن بزرگوار می‌شود و لبخند شادمانی را بر لبان او شکوفا می‌سازد. این گونه تلاش‌ها و توفیقات را از سوی آستان بلند او بدانیم و از کمک شدگان بخواهیم که سپاس آن را به درگاه کریمانه‌ی او به جای آورند و وام‌دار الطاف آن حضرت باشند و بدین وسیله،

ای داود! همانا خداوند تبارک و تعالی ما را آفرید و آفرینش ما را نیکو ساخت و اکرام کرد و ما را بر دیگران برتری داد و امین و نگهدار و خزانه دار خودش بر آنچه در آسمان و زمین است قرار داد، و برای ما مخالفین و دشمنانی قرار داد.

ما را در کتاب خودش نام برده و به نیکوترین نام‌ها و محبوب‌ترین آن‌ها نزد خویش کنایه آورده است و نیز مخالفان و دشمنان ما را در کتابش نام برده و از نام‌های ایشان به آن چه نزد خودش و بندگان پرهیزکارش زشت و ناپسند است کنایه آورده است. (قطره‌ای از دریای فضایل اهل بیت علیهم السلام ۱: ۵۷۶).

ارادتمندانی مخلص و پروانگانی عاشق برای طواف شمع وجودش و یاورانی از جان گذشته برای پای رکابش فراهم آوریم.

مشى ما در زندگى، انجام عمل صالح در راه كسب رضایت خدای - تعالى - و امام عصر علیه السلام باشد. به یقین آن وقت است كه نیازی به جست و جو كردن مكان امام نخواهیم داشت؛ حضرتش خود به سراغمان می آید^۱ یا در حَقِّمان دعا می كند و شرّ و فتنه و بلا را از ما و خانواده و دوستان ما دور می سازد و ما را مورد اشرف خاصّ خویش قرار می دهد.

حقیقت و اساس دین، ولایت است. نماز، روزه، حجّ و... فروع دین اند. شاخه ها نباید ما را از ریشه ی درخت غافل سازند و پوسته ها از مغز! تنها صراط مستقیم، شاه راه انحصاری هدایت و یگانه كشتی نجات در این دوران، وجود مقدّس حجّة بن الحسن علیه السلام است. در عین حال، ادّعی ولایت مهدوی نیز بدون برائت از دشمنان حقّ بی اساس است.

۱. آن حضرت به آیه الله سیّد محمد باقر مجتهدی سیستانی كه برای تشرّف به آستان مقدّس مولایش، چهل ختم زیارت عاشورا آن هم هر هفته در مسجدی از مساجد مشهد را آغاز کرده بود فرمودند: «چرا این گونه دنبال من می گردی؟ و این رنج ها را متحمّل می شوی؟ مثل این باشید (اشاره به جنازه ای كه در مقابلشان بود نموده) تا من به دنبال شما بیایم.» بعد فرمود: «این، بانویی است كه در دوره ی بی حجابی (دوران رضا خان) هفت سال از خانه بیرون نیامد مبادا نامحرم او را ببیند.» (شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام ۳: ۱۵۸). همچنین حضرت ولی عصر علیه السلام به حاج محمد باكوبی فرمودند: «هر كس از شیعیان ما به وظیفه ی خود خوب عمل كند ما به او سر می زنیم.»

با دعا، فرج زودتر تحقق می‌یابد

وقتی به برخی کسان گفته می‌شود: برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام دعا کنید، می‌گویند: هر وقت خدا بخواهد، امام ظهور خواهد کرد! گروهی نیز با ناامیدی اظهار می‌کنند: به این زودی‌ها امام نخواهد آمد! باید گفت:

اولاً بر اساس روایات، ائمه‌ی اطهار علیهم السلام بارها شیعیان را به دعا برای تعجیل فرج امر کرده‌اند و خواست و دعای مردم را در این امر کاملاً مؤثر دانسته‌اند.

در مورد لزوم دعا برای تعجیل فرج و نقش دعا در زودتر فرارسیدن ظهور، حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«وقتی عذاب و سختی بر بنی اسرائیل طولانی شد، چهل روز به درگاه خدا گریه و ناله کردند. خدای متعال به موسی و هارون علیهم السلام وحی فرمود که آن‌ها را از دست فرعون نجات دهند و این در حالی بود که از ۴۰۰ سال ۱۷۰ سال باقی مانده بود. خداوند به دعای بنی اسرائیل، از ۱۷۰ سال آن صرف نظر کرد.»

آن‌گاه امام ششم علیه السلام فرمودند:

«اگر شما شیعیان نیز چنین تضرع و زاری کنید (و فرج ما را بخواهید)، خداوند فرج ما را می‌رساند؛ ولی اگر دست روی دست بگذارید (و بی‌اعتنا بمانید)، وقتی کار به نهایت رسید، گشایش فرا می‌رسد.»^۱

مؤلف مکیال المکارم با استناد به این حدیث می گوید:

آن چه از روایات به دست می آید ظاهراً این است که وقت ظهور امام زمان علیه السلام از امور بدائیه است که امکان پیش و پس افتادش هست.^۱

آن عالم پر شور در بخش دیگری از کتاب خویش می نویسد:

ادریس پیامبر نیز - وقتی مورد سوء قصد حکومت طغیانگر زمان خویش قرار گرفت - از میان مردم غایب شد. در دوران غیبت او، پیروانش - که در نهایت سختی و شدت قرار داشتند - تصمیم گرفتند در پیشگاه خدا توبه آرند. این بازگشت و پشیمانی واقعی باعث شد که خداوند دوران غیبت او را پایان بخشد. ادریس علیه السلام ظاهر شد و حاکم ستمگر در برابر او به ذلت افتاد و مردم نیز مطیع او شدند.

به همین سان اگر مردم زمان غیبت به صورت دسته جمعی توبه کنند و قصد یاری امام نمایند، امید آن می رود که خداوند طومار غیبت را درهم پیچد و آن بزرگوار را ظاهر کند.^۲

مرحوم فقیه ایمانی رحمته الله علیه هم می گوید:

... از اخبار و فقرات ادعیه و زیارات بسیار استفاده می شود که امر ظهور آن حضرت، در اصل وقوعش، یک وعدهی تخلف ناپذیر الاهی است؛ ولی زمان وقوع آن از امور بدائیه و قابل تعجیل و تأخیر است. نیز از بعضی از اخبار به دست می آید که دعای مؤمنان - هنگامی که با شرایط و آدابش انجام شود - تأثیر

۱. ترجمه‌ی مکیال المکارم ۱: ۳۴۷.

۲. همان: ۲۰۲.

به سزایی در تعجیل فرج خواهد داشت.^۱

تشویق ائمه‌ی معصومین علیهم السلام به دعا برای تسریع فرج، بیانگر آن است که حصول فرج و فرا رسیدن ظهور، دارای یک زمان تعیین شده و غیر قابل تغییر نیست. به عبارت دیگر، می‌توان با دعا فرج را جلو انداخت؛ چنان که بارها یاد کردیم.

درست است که غیبت از اسرار الاهی است و ظهور نیز به قطع و یقین رخ خواهد داد؛ اما زمان ظهور ممکن است جلو انداخته شود یا به تعویق افتد. اعتقاد به این حقیقت برای شیعیان - که در اصول اعتقادی خویش به اصل «بدا»^۲ و تغییر یافتن مقدرات الاهی معتقدند - ممکن و توجیه‌پذیر است.

مرحوم علامه‌ی مجلسی رحمته الله علیه در شرح روایات مربوط به دعا - وقتی به

۱. شیوه‌های یاری قائم آل محمد علیهم السلام: ۵۷.

۲. بدا در لغت به معنای ظهور و آشکار شدن است و در اصطلاح دانشمندان شیعه، به دگرگونی مسیر طبیعی سرنوشت یک انسان در پرتو رفتار صالح و شایسته‌ی وی اطلاق می‌گردد. این آموزه‌ی اعتقادی - که از فرازهای بلند مکتب تشیع در باب توحید است - بر دو حقیقت تأکید دارد: ۱- دست خداوند که قادر مطلق است از ایجاد تغییر در مقدرات بسته نیست؛ چنان که یهود با این پندار، مورد مذمت قرآن کریم قرار گرفته‌اند. ۲- انسان نیز در برابر سرنوشت خود همیشه دست بسته نیست؛ بلکه راه سعادت برای او باز است و می‌تواند با توجه و بازگشت به درگاه خداوند متعال و انجام اعمال شایسته، مسیر زندگی خود را دگرگون سازد؛ چنان که در مورد دعا گفته شده که قضا را - هر چند محکم باشد - بر می‌گرداند.

فرمایش حضرت امام صادق علیه السلام می رسد که:

«... دعا کن و مگو که کار گذشته است و آنچه مقدر شده است

همان می شود (و دعا اثر ندارد)...»^۱

توضیح می دهد:

... باید به بدا ایمان داشت و به این که خداوند سبحان هر روز در کاری است؛ هر چه را خواهد، محو می کند و هر چه را بخواهد، ثبت می کند و قضا و قدر مانع دعا نیستند؛ چون تغییر در لوح (محو و اثبات) ممکن است. گذشته از این، خود دعا نیز از اسباب قضا و قدر است و امر به دعا نیز از همان هاست.^۲

عکس مطلب نیز صادق است. اگر مردم به مسئله ی غیبت امام زمان خویش و طولانی شدن غیبت بی توجهی کنند و بادل های متحد و یک پارچه، فرج آن حضرت را خواستار نشوند، خداوند ظهور آن حضرت را - تا انتهایی که برای غیبت در نظر گرفته است و ما از آن اطلاعی نداریم - به تعویق خواهد انداخت، البته این نهایت نیز ممکن است هر لحظه فرا رسد و ما در هیچ موقعیتی، مجاز نیستیم از ظهور حضرتش ناامید باشیم.

درست است که نباید برای ظهور وقت تعیین کرد و تعیین کنندگان وقت مورد تقبیح و تکذیب قرار گرفته اند، از سوی دیگر، روایات فراوانی وجود دارند که از مؤمنان می خواهند زمان ظهور را نزدیک بدانند و از دعای برای فرج غافل نشوند.

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

۱. اصول کافی ۲: ۴۶۶ (کتاب الدعاء باب فضل الدعاء، ح ۳).

۲. ترجمه و شرح اصول کافی ۴: ۲۱۰.

«هر صبح و شام، منتظر این امر باشید.»^۱

امام رضا علیه السلام نیز می فرماید:

«جز این نیست که (امر فرج، مانند قیامت) به طور ناگهانی

برایتان رخ می دهد.»^۲

حضرت جواد الائمه نیز فرموده اند:

«همانا خداوند متعال امر ظهور وی را در یک شب اصلاح

می نماید.»^۳

ثانیاً، ما موظف شده ایم فرج را نزدیک بدانیم؛ چنان که با تأسی به قرآن

کریم، در دعای عهد می خوانیم:

«... در ظهورش، برای ما شتاب کن که آن ها آن را دور می پندارند

و ما نزدیکش می دانیم.»

روزگاری شیعیان جزیره ی شیعه نشین بحرین در اضطراب و تنگنای

عجیبی قرار گرفتند و سه شبانه روز از والی ناصبی آن مهلت خواستند تا با

توسل به امام عصر ارواحنا فداه مشکل خود را حل کنند. شب اول و دوم،

نمایندگان شیعیان نتیجه ای نگرفتند. شب سوم، محمد بن عیسی رضی الله عنه

توفیق تشرّف به محضر امام را پیدا کرد و آن حضرت پاسخ معمّای انار و

حیله ی وزیر را تشریح فرمودند. این روی داد به داستان «انار» معروف

است.

نکته ی مهم این است که وقتی محمد بن عیسی رضی الله عنه از حضرت

۱. بحار الأنوار ۵۲: ۱۸۵. ۲. کمال الدین ۲: ۳۷۳ (باب ۳۵، ح ۶).

۳. همان: ۳۷۷ (باب ۳۶، ح ۱).

مهدی ارواحنا فداه سؤال کرد که: چرا شب اول و دوم عنایت نفرموده‌اند، امام پاسخ دادند:

«اگر یک شب مهلت می‌خواستید، همان شب به مقصود

می‌رسیدید.»^۱

در این فرمایش حضرت، پیام بسیار مهمی نهفته است؛ به ویژه برای آن‌ها که همواره امر ظهور آن حضرت را به آینده‌های دور! موکول می‌کنند. آیا با توجه به این فرموده‌ی امام نمی‌توان گفت اگر معرفت شیعیان تا به آن حد برسد که همین امشب فرج حضرت را بخواهند صدور اذن قیام به ایشان از جانب حق - تعالی - استبعادی ندارد؟

آری آن حضرت کهف و پناهگاه است؛ غوث و فریاد رس است؛ مفرج الكرب و گشایشگر رنج‌هاست؛ مُزِيلُ الْهَمِّ و زداینده‌ی غم‌هاست؛ کاشف البلوی و برطرف‌کننده‌ی بلاهاست.

اکنون هیچ پناهگاهی از او محکم‌تر نیست و نه هیچ فریاد رسی از او دل‌سوزتر و مهربان‌تر و نه هیچ مشکل‌گشایی از او تواناتر و نه هیچ دستی از او کریم‌تر و بخشنده‌تر.

بیایید بادل‌ی آکنده از شوق دیدار و قلبی سرشار از غم انتظار، هم نوابا جدّ بزرگوار امام عصر علیه السلام حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام همه با هم به درگاه خداوند عرضه بداریم:

«وَأُبَدِّلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا.»^۲

آری؛ ۱۱۷۱ سال است که یوسف حضرت زهرا علیه السلام زندانی غفلت

شیعه و معصیت بشر و جهل و انکار و الحاد گمراهان و هواپرستی و جاه‌طلبی و گردن‌کشی طواغیت عالم است. کلید قفل زندانش در دستان من و شماست؛ بیایید با هم برای فرج دعا کنیم:

بار خدا یا! در میان اهل بیت علیهم السلام مضطری هم چون حضرت زینب کبری علیها السلام در شب یازدهم محرم سراغ نداریم. تو را به اضطرار عمه‌ی مظلومه‌ی امام عصر ارواحنا فداه در شب شام غریبان، به طواف او گرد سید ساجدان، به هروله‌ی او در میان خیمه‌های نیم سوخته، به سعی او در صفای نهر علقمه، به ناله‌ها و اشک یتیمانی که از ضربت تازیانه‌های دشمن به دامن عمه پناه می‌بردند، به نماز نشسته‌ی زینب علیها السلام در شام عاشورای سال ۶۱ هجری، به دستان بسته و پیشانی شکسته‌ی او... در فرج منتقم آل عبا تعجیل فرما.

خداوند! یعقوب علیه السلام چهل سال در فراق فرزند گریست تا چشمانش سفید شد؛ اما سرانجام با دیدن جمال دل‌آرای یوسف بینایی‌اش را باز یافت. خداوند! ما نه معرفت یعقوب علیه السلام را داریم و نه محبت او را. به غفلت ما منگر! به آبروی مادرش حضرت زهرا علیها السلام، یوسف زندانی او را از زندان غیبت خلاص عنایت فرما.

پروردگارا! به خاطر طولانی شدن زمان غیبت و بی‌خبر بودن ما از آن مولا، یقین را از ما سلب مکن و یاد او و انتظار کشیدن او و ایمان بدو و قدرت یقین نسبت به ظهور او و دعا کردن در حق او و درود فرستادن براو را از ما مگیر.^۱

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام. «اللَّهُمَّ لَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ

يَا مَنْ يُعَزِّمُنْ يَشَاءُ! با قیام امام زمان علیه السلام عزّت اهل بیت علیهم السلام و شیعیان راستین و مؤمنان را نشان ده.

يَا مَنْ يُدِلُّ مَنْ يَشَاءُ! با صدور فرمان فرج، خواری و رسوایی کافران و منافقان و ذلّت دشمنان اهل بیت علیهم السلام را آشکار ساز.

مهربان خدای کریم! به بدی مانگاه مکن؛ تو را به اسم اعظمت، به آیه آیهی قرآنت و به قرآن‌های ناطقت سوگند که همین لحظه را لحظه‌ی امضای فرمان ظهور امام زمان ارواحنا فداه قرار ده.

ای شنواترین شنوندگان! دعای ما را به اجابت برسان و باقی مانده‌ی غیبت آن عزیز را به حرمت محمد و آل محمد علیهم السلام بر ما ببخش و صدای زیبای «أَبَقِيَّةَ اللَّهِ» را در عالم طنین انداز فرما.

بار خدایا! موانع ظهور آن حضرت را برطرف فرما، شیعیان جهان را از این خواب غفلت بیدار کن و چشمان بی فروغ ما را به شمس جمال دل آرای مولا و صاحبمان روشن بفرما.

الاهی! به هم و غم و غصه‌های امام زمان علیه السلام با فرجش خاتمه عنایت فرما و قلب مقدّسش را با مژده‌ی ظهورش شادمان کن.

بارالاهایا! لحظه‌ای ما را از یاد آن حضرت و دعا برای فرجش غافل مساز و توفیق زیارت آن حضرت را در زمان غیبت و ظهورش به ما مرحمت کن و نام ما را در طومار بهترین یاری کنندگان حضرتش در زمان غیبت و ظهور ثبت و ضبط فرما.

